



۱ پرتویی از نور

دقایقی با تفسیر قرآن

(برگرفته از تفسیر نور)

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه‌ی ملی ایران:

مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن

پرتویی از نور (۱) دقایقی با تفسیر قرآن

ناشر: تهران / «مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن» / ۱۳۷۵.

۹۶ ص. ۳۵۰۰ ریال (دوره) ISBN : 964-5652-70-7

ISBN : 964-5652-71-5 (ج ۱)

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا

کتابنامه به صورت زیرنویس.

دقایقی از تفسیر نور ج ۱ تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴

۴/۹۸ BP ۲۹۷/۱۷۹ ۱۰۷۶۰۲۶

فهرت مطالب

● مباحث چند دقیقه‌ای:

- ۹ درس‌های تربیتی سوره حمد
- ۱۰ اهمیت «بسم الله»
- ۱۳ سیمای «بسم الله»
- ۱۵ راه مستقیم
- ۲۰ غضب‌شدگان در قرآن
- ۲۲ گمراهان در قرآن
- ۲۴ اوصاف قلب
- ۲۴ ویژگی‌های قلب سلیم
- ۲۵ ویژگی قلب منیب
- ۲۶ ویژگی‌های قلب مریض
- ۲۶ سیمای منافق در قرآن
- ۲۸ صله‌ی رحم
- ۲۹ دانشمند بی‌عمل
- ۳۰ شفاعت



(۱)

پرتویی از نور

دقایقی با تفسیر قرآن

(برگرفته از تفسیر نور جلد ۱)

ناشر:	مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
چاپ:	سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
نوبت چاپ:	اول - تابستان ۱۳۸۶
شمارگان:	۳۰/۰۰۰ نسخه
قیمت:	۳۵۰۰ ریال
شابک:	۹۶۴-۵۶۵۲-۷۱-۵

مرکز پخش ۱: تهران - تلفن و نمابر ۶۶۹۴۶۳۶۳-۴

مرکز پخش ۲: تهران - تلفن و نمابر ۸۸۹۲۶۲۷۰-۱

www.Qaraati.ir

آداب تلاوت قرآن	۳۴
آثار و برکات روزه	۳۴
ماه رمضان	۳۵
رمضان ماه مهمانی خدا	۳۷
آداب مهمانی	۳۸
تشبیه همسر به لباس	۳۹
جنگ و جهاد	۴۱
جهاد در ادیان دیگر	۴۲
رشوه	۴۴
شب هجرت و جانفشانی علیؑ	۴۶
علت حرام شدن شراب	۴۸
شرایط قرض و وام دادن	۵۰
توحید و مالکیت حقیقی	۵۱
جایگاه شعار توحیدی	۵۳
سیمای مخالفان ولایت خدا	۵۴
● مباحث یک دقیقه‌ای:	
رحمت الهی	۵۸
مالکیت خداوند	۵۹
ملازمت هشدار و بشارت	۶۰
انواع هدایت در قرآن	۶۱
راه مستقیم	۶۱
عالم‌های مختلف از دیدگاه قرآن	۶۲
ویژگی‌های رستگاران	۶۳

شرایط رستگاری	۶۳
ویژگی‌های قلب سلیم	۶۴
ویژگی‌های قلب مریض	۶۵
ویژگی‌های منافقان در قرآن	۶۵
چرا عبادت کنیم؟	۶۶
چگونه عبادت کنیم؟	۶۷
عوامل انگیزه‌بخش عبادت	۶۸
مبارزه طلبی قرآن	۶۸
انواع همسران بهشتی	۶۹
انحرافات شیطان	۷۰
بهشت آدم	۷۱
تاکتیک‌های اغفالی شیطان	۷۲
ویژگی و شرایط قیامت	۷۳
عوامل بخشش گناهان	۷۳
عوامل سقوط بنی اسرائیل	۷۴
مسخ شدن انسان	۷۵
مسخ شدگان قیامت	۷۵
علاقه یا ترس از مرگ	۷۶
آرزوهای دشمن	۷۷
اتمام نعمت	۷۸
موانع و اثرات یاد خدا	۸۰
عنایات خدا به صابران	۸۱
راههای پیروزی بر مشکلات	۸۱
برخورد گوناگون مردم با مشکلات	۸۲

بخور بخور ممنوع	۸۳
مراحل شکر	۸۳
ارزش و جایگاه صبر	۸۴
انواع حیات و زندگی	۸۵
شرایط دعا در قرآن	۸۶
مراحل برخورد با دشمن	۸۶
رفتار مسالمت آمیز با گروه ها	۸۷
انواع انفاق	۸۸
زمینه های امیدواری به الطاف الهی	۸۹
عوامل پیروزی بر دشمن	۹۰
اهرم های تشویق به انفاق	۹۰
نیاز فردای دنیا یا آخرت	۹۱
ربا و رباخواری	۹۲
اقسام مردم در ایمان و عمل	۹۳
حالت های قلبی انسان	۹۴
مسئولیت در فکر و انگیزه	۹۵



مباحث چند دقیقه ای:

درسهای تربیتی سوره حمد

انسان در تلاوت سوره ی حمد:

- ۱- با «بسم الله» از غیر خدا قطع امید می کند.
- ۲- با «رَبِّ الْعَالَمِينَ» و «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» احساس می کند که پرورش یافته و مملوک خداوند است، و بر این اساس باید خودخواهی و غرور را کنار گذارد.
- ۳- با کلمه ی «عَالَمِينَ» خود را مرتبط با نظام هستی می بیند و از تکروری و انزوا دوری می کند.
- ۴- با «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» خود را در سایه لطف او می بیند.
- ۵- با «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» غفلتش از آینده زدوده می شود.
- ۶- با گفتن «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» ریا و شهرت طلبی را زایل می کند.

۷- با «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» به هیچ قدرت غیر الهی پناه نمی برد.

۸- با گفتن «انعمت» تمام نعمت ها را از او می داند.

۹- با «اهدنا» هدایت به راه حق و رهپاری طریق مستقیم را در خواست می کند.

۱۰- با «صراط الّذین انعمت علیهم» همبستگی خود را با پیروان حق اعلام می کند.

۱۱- با گفتن «غیر المغضوب علیهم» و «الضّالّین» بیزاری و برائت از باطل و اهل باطل را ابراز می دارد.

اهمیت «بسم الله»

□ در میان اقوام و ملل مختلف، رسم است که کارهای مهم و با ارزش را به نام بزرگی از بزرگان خویش که مورد احترام و علاقه ی آنهاست، شروع می کنند تا آن کار میمون و مبارک گردد و به انجام رسد. البته آنان بر اساس اعتقادات صحیح یا فاسد خویش عمل می کنند.

گاهی به نام بت ها و طاغوت ها و گاهی با نام خدا و به دست اولیای خدا، کار را شروع می کنند. چنانکه در جنگ خندق، اولین کلنگ را رسول خدا ﷺ بر زمین زد.^(۱)

«بسم الله الرحمن الرحیم» سر آغاز کتاب الهی است. «بسم الله» نه تنها در ابتدای قرآن، بلکه در آغاز تمام کتاب های آسمانی بوده است.

در سر لوحه ی کار و عمل همه ی انبیا «بسم الله» قرار داشت. وقتی کشتی حضرت نوح در میان امواج طوفان به راه افتاد،

نوح علیّه السلام به یاران خود گفت: سوار شوید که «بسم الله مجراها و مرساها»^(۱) حرکت و توقف این کشتی با نام خداست. حضرت سلیمان علیّه السلام نیز وقتی ملکه سبارا به ایمان فراخواند، دعوتنامه خود را با جمله ی «بسم الله الرحمن الرحیم»^(۲) آغاز نمود.

□ حضرت علی علیّه السلام فرمود: «بسم الله»، مایه برکت کارها و ترک آن موجب نافرجامی است. همچنین آن حضرت به شخصی که جمله ی «بسم الله» را می نوشت، فرمود: «جودها» آن را نیکو بنویس.^(۳)

□ بر زبان آوردن «بسم الله» در شروع هر کاری سفارش شده است؛ هنگام خوردن و خوابیدن و نوشتن، سوارشدن، مسافرت و بسیاری کارهای دیگر؛ حتی اگر حیوانی بدون نام خدا سربرنده شود، مصرف گوشت آن حرام است؛ شاید رمزش آن باشد که خوراک انسان های هدف دار و موحد نیز باید جهت الهی داشته باشد.

□ در حدیث می خوانیم: «بسم الله» را فراموش نکن؛ حتی در نوشتن یک بیت شعر. روایاتی نیز در پاداش کسی که اولین بار «بسم الله» را به کودک یاد بدهد، وارد شده است.^(۴)

سؤال: چرا در شروع هر کاری «بسم الله» و بردن نام خدا سفارش شده است؟

پاسخ: «بسم الله» آرم و نشانه ی مسلمانی است و باید تمام کارهای هر مسلمان رنگ الهی داشته باشد. همان گونه که محصولات و کالاهای ساخت یک کارخانه، آرم و علامت آن

۱. هود، ۴۱. ۲. نمل، ۳۰. ۳. کنز العمال، ج ۲۹۵۵۸.

۴. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۳.

کارخانه را دارد؛ خواه به صورت جزئی باشد یا کلی. مثلاً یک کارخانه چینی سازی، علامت خود را روی تمام ظروف می‌زند، خواه ظرف‌های بزرگ باشد یا ظرف‌های کوچک. یا این‌که پرچم هر کشوری هم بر فراز ادارات و مدارس و پادگان‌های آن کشور است و هم بر فراز کشتی‌های آن کشور در دریاها و هم بر روی میز اداری کارمندان.

سؤال: آیا «بسم الله الرحمن الرحيم» آیه‌ای مستقل است؟

پاسخ: به اعتقاد اهل بیت رسول الله ﷺ که صد سال سابقه بر سایر رهبران فقهی مذاهب دارند و در قرآن نیز عصمت و پاکی آنها به صراحت بیان شده است، آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» آیه‌ای مستقل و جزو قرآن است؛ اما فخر رازی از بزرگان اهل سنت در تفسیر خویش شانزده دلیل آورده که «بسم الله» جزو سوره است. آلوسی نیز همین اعتقاد را دارد. در مسند احمد نیز «بسم الله» جزو سوره شمرده شده است.^(۱) در طول تاریخ اسلامی برخی که «بسم الله» را جزو سوره ندانسته و یا در نماز آن را ترک کرده‌اند، مورد اعتراض واقع شده‌اند. در مستدرک حاکم آمده است: روزی معاویه در نماز «بسم الله» را حذف کرد و نگفت، مردم به او اعتراض کردند که «أَسْرَقْتَ أُمَّ نَسِيتَ»، آیه را دزدیدی یا فراموش کردی؟!^(۲)

امامان معصوم ﷺ اصرار داشتند که در نماز، «بسم الله» را بلند بگویند. امام باقر ﷺ در مورد کسانی که «بسم الله» را در نماز نمی‌خواندند و یا جزو سوره نمی‌شمردند، می‌فرمود: «سَرَقُوا

اکرم آیه»^(۱) بهترین آیه قرآن را به سرقت بردند. در سنن بیهقی در ضمن حدیثی آمده است: چرا بعضی «بسم الله» را جزء سوره قرار نداده‌اند!^(۲)

شهید مطهری رحمته الله در تفسیر سوره حمد، ابن عباس، عاصم، کسایی، ابن عمر، ابن زبیر، عطاء، ابن طاووس، فخر رازی و سیوطی را از جمله کسانی معرفی می‌کند که «بسم الله» را جزو سوره می‌دانستند.

در تفسیر قرطبی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «بسم الله» تاج سوره‌هاست. در قرآن تنها در آغاز سوره‌ی براءت (سوره‌ی توبه) «بسم الله» نیامده و این به فرموده‌ی حضرت علی علیه السلام به خاطر آن است که «بسم الله» کلمه‌ی امان و رحمت است، و اعلام براءت از کفار و مشرکین، با اظهار محبت و رحمت سازگار نیست.^(۳)

سیمای «بسم الله»

۱- «بسم الله» بیان‌گر صبغه و رنگ الهی و جهت‌گیری توحیدی ماست. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: با گفتن «بسم الله» نشان بندگی خدا را بر خود می‌نهم.^(۴)

۲- «بسم الله» رمز بقا و دوام است؛ زیرا هرچه اخلاص و رنگ خدایی نداشته باشد، فانی است.^(۵)

۳- «بسم الله» رمز توحید است و ذکر نام دیگران به جای آن، رمز کفر است و همراه آوردن نام خداوند با نام دیگران، نشانه‌ی

۱. بحار، ج ۸۵، ص ۲۰.

۲. سنن بیهقی، ج ۲، ص ۵۰.

۳. تفسیر مجمع البیان و کبیر فخر رازی. ۴. تفسیر نورالثقلین.

۵. «کل شیء هالک الا وجهه» قصص، ۸۸.

۱. مسند احمد، ج ۳، ص ۱۷۷ و ج ۴، ص ۸۵.

۲. مستدرک، ج ۳، ص ۲۳۳.

شرک. نه در کنار نام خدا، نام دیگری را ببریم و نه به جای نام او. نه فقط ذات او؛ بلکه نام او نیز از هر شریکی منزّه است؛ «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى»^(۱) حتی شروع کردن کار به نام خدا و محمّد ﷺ ممنوع است.^(۲)

۴- «بِسْمِ اللَّهِ» رمز عشق به خدا و توکل به اوست. به کسی که رحمان و رحیم است عشق می‌ورزیم و کارمان را با توکل به او آغاز می‌کنیم که بردن نام او سبب جلب رحمت است.

۵- «بِسْمِ اللَّهِ» رمز خروج از تکبر و اظهار عجز و ناتوانی به درگاه خداوند قادر متعال است.

۶- «بِسْمِ اللَّهِ» گام اول در مسیر بندگی و عبودیت است.

۷- «بِسْمِ اللَّهِ» مایه‌ی فرار شیطان است. کسی که خدا را همراه داشت، شیطان در او مؤثر نمی‌افتد.

۸- «بِسْمِ اللَّهِ» عامل قداست یافتن کارها و بیمه کردن آنهاست.

۹- «بِسْمِ اللَّهِ» ذکر خداست؛ یعنی خدایا! من تو را فراموش نکرده و نمی‌کنم.

۱۰- «بِسْمِ اللَّهِ» بیانگر انگیزه ماست؛ یعنی خدایا! هدفم تو هستی نه مردم، نه طاغوت‌ها و نه جلوه‌ها و نه هوس‌ها و منافع.

۱۱- امام رضا (علیه السلام) فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ» به اسم اعظم الهی، از سیاهی چشم به سفیدی آن نزدیک‌تر است.^(۳)

□ شاید معنای این که می‌گویند: تمام قرآن در سوره حمد و تمام سوره حمد در «بِسْمِ اللَّهِ» و تمام «بِسْمِ اللَّهِ» در حرف (باء)

خلاصه می‌شود، این باشد که آفرینش هستی و هدایت آن، همه با استمداد از اوست. چنانکه رسالت پیامبر اکرم ﷺ نیز با نام او آغاز گردید. «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ»^(۱)

راه مستقیم

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

(خداوندا!) ما را به راه راست هدایت فرما.

□ کلمه‌ی «صراط» بیش از چهل مرتبه در قرآن آمده است. «صراط» نام پلی بر روی دوزخ است که در قیامت همه‌ی مردم باید از روی آن عبور کنند.

□ راههای متعدّدی در برابر انسان قرار دارد که او باید یکی را انتخاب کند:

* راه خواسته‌ها و هوس‌های خود.

* راه انتظارات و توقعات مردم.

* راه وسوسه‌های شیطان.

* راه طاغوت‌ها و ستمگران.

* راه نیاکان و پیشینیان.

* راه خدا و اولیای خدا.

انسان مؤمن، راه خداوند و اولیای او را انتخاب می‌کند.

امتیازات راه خدا و اولیای او:

الف) راه الهی ثابت است، بر خلاف راه‌های طاغوت‌ها و هوس‌های مردم و هوس‌های شخصی که همیشه در حال تغییر است و ثبات ندارد.

۱. اعلی، ۱. ۲. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۴۸۲.

۳. تفسیر راهنما.

۱. علق، ۱.

ب) یک راه بیشتر نیست، در حالی که راه‌های دیگر متعدّد و پراکنده است.

ج) در پیمودن آن، انسان به مسیر و مقصد مطمئن است.

د) در پیمودن آن، شکست و باخت وجود ندارد.

□ در راه مستقیم بودن، تنها خواسته‌ای است که هر مسلمان، در هر نماز از خداوند طلب می‌کند؛ حتّی رسول الله ﷺ و ائمّه اطهار علیهم السلام از خداوند ثابت ماندن در راه مستقیم را می‌خواهند.

□ انسان باید همواره و در هر کاری، اعم از انتخاب شغل، دوست، رشته‌ی تحصیلی و همسر، راه مستقیم را از خداوند بخواهد؛ زیرا چه بسا در عقاید، صحیح فکر کند، ولی در عمل دچار لغزش شود و یا بالعکس. پس هر لحظه، خواستن راه مستقیم از خدا، ضروری است.

□ راه مستقیم مراتب و مراحل دارد؛ «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى»^(۱) حتّی کسانی که در راه حق هستند، مانند اولیای خداوند، لازم است برای ماندن در راه و زیادشدن نور هدایت، دعا کنند.^(۲)

کسی که می‌گوید: «الحمد لله ربّ العالمین . الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ...» مراحل از هدایت را پشت سر گذارده است، بنابراین، درخواست او، هدایت به مرحله بالاتری است.

□ راه مستقیم، همان راه میانه و وسط است که حضرت علی علیّه السلام می‌فرماید: «الْبَيْنُ وَالشَّمَالُ مَضَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ

الْجَادَةُ»^(۱) انحراف به چپ و راست گمراهی و راه وسط، جاده‌ی هدایت است.

□ راه مستقیم یعنی؛ میانه‌روی و اعتدال و احتراز از هر نوع افراط و تفریط، چه در عقیده و چه در عمل.

یکی در عقاید از راه خارج می‌شود و دیگری در عمل و اخلاق. یکی همه کارها را به خدا نسبت می‌دهد، گویا انسان هیچ نقشی در سرنوشت خویش ندارد. و دیگری خود را همه کاره و فعّال مایشاء دانسته و دست خدا را بسته می‌داند. یکی رهبران آسمانی را همچون مردمان عادی و گاهی ساحر و مجنون معرفی می‌کند و دیگری آن بزرگواران را در حدّ خدا می‌پندارد.

یکی زیارت امامان معصوم و شهدا را بدعت می‌داند و دیگری حتّی به درخت سنگ متوسل شده، ریسمان می‌بندد. یکی اقتصاد را زیر بنا می‌داند و دیگری، دنیا و امورات آن را نادیده می‌انگارد و تارک دنیا می‌شود.

در عمل نیز یکی غیرت نابجا دارد و دیگری همسرش را بی حجاب به کوچه و بازار می‌فرستد.

یکی بخل می‌ورزد و دیگری بی حساب سخاوت به خرج می‌دهد. یکی از خلق جدا می‌شود و دیگری حق را فدای خلق می‌کند.

این‌گونه رفتار و کردارها، انحراف از مسیر مستقیم هدایت است. خداوند دین پا برجا و استوار خود را، راه مستقیم

۱. محمد، ۱۷. ۲. «اهدنا الصراط المستقیم»

۱. بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۳.

معرفی می‌کند. ﴿قُلْ أَنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^(۱)

در روایات آمده است که امامان معصوم علیهم‌السلام می‌فرمودند: راه مستقیم، ما هستیم.^(۲) یعنی نمونه‌ی عینی و عملی راه مستقیم و اسوه و الگو برای قدم برداشتن در آن، رهبران آسمانی هستند. آنها در عمل به دستورات خود درباره‌ی تمام مسائل زندگی از قبیل: کار، تفریح، تحصیل، تغذیه، انفاق، انتقاد، قهر، صلح و علاقه به فرزند و ...، نظر داده و مارا به اعتدال و میانه‌روی سفارش کرده‌اند.^(۳) جالب آنکه ابلیس در همین صراط مستقیم به کمین می‌نشیند. شیطان به خدا گفت: ﴿لَا قَعْدَنَ لَكُمْ صِرَاطُكَ الْمُسْتَقِيمَ﴾^(۴)

□ در قرآن و روایات، نمونه‌های زیادی آمده که در آنها به جنبه‌ی اعتدال که همان راه مستقیم است، تأکید و از افراط و تفریط نهی شده است. از جمله:

* ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا﴾^(۵) بخورید و بیاشامید، و اسراف نکنید.

* ﴿لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ﴾^(۶) در انفاق، نه دست برگردن قفل کن - دست بسته باش - و نه چنان گشاده دستی کن. (که خود محتاج شوی).

* ﴿الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾^(۷) مؤمنان، به هنگام انفاق نه اهل اسرافند و نه اهل بخل، بلکه میانه‌رو

هستند.

* ﴿لَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافُتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا﴾^(۱) نماز را نه بلند بخوان و نه آهسته، بلکه با صدای معتدل بخوان.

* به پدر و مادر خود احسان کن؛ ﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾^(۲) اما اگر تو را از راه خدا بازداشتند، اطاعت از آنها لازم نیست. ﴿إِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي... فَلَا تَطْعِمَهُمَا﴾^(۳)

* پیامبر هم رسالت عمومی دارد؛ ﴿وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾^(۴) و هم خانواده خویش را دعوت می‌کند. ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ﴾^(۵) * اسلام هم نماز را سفارش می‌کند که ارتباط با خالق است؛ ﴿اقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾ و هم زکات را توصیه می‌کند که ارتباط با مردم است. ﴿آتُوا الزَّكَاةَ﴾^(۶)

* نه محبت‌ها شما را از گواهی حق منحرف سازد؛ ﴿شَهِدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ﴾^(۷) و نه دشمنی‌ها شما را از عدالت دور کند. ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ﴾^(۸)

* مؤمنان هم دافعه دارند؛ ﴿أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ﴾ و هم جاذبه دارند. ﴿رَحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾^(۹)

* هم ایمان و باور قلبی لازم است؛ ﴿آمَنُوا﴾ و هم کارهای شایسته. ﴿عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ﴾^(۱۰)

* هم اشک و دعا و درخواست پیروزی از خدا لازم است؛ ﴿رَبَّنَا افْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا﴾^(۱۱) و هم صبوری و پایداری در

۱. انعام، ۱۶۱. ۲. تفسیر نورالثقلین.

۳. در این باره می‌توان به کتاب اصول کافی، باب الاقتصاد فی العبادات مراجعه نمود.

۴. اسراء، ۲۹. ۵. اعراف، ۱۶. ۶. اعراف، ۳۱.

۷. فرقان، ۶۷. ۸. بقره، ۲۵. ۹. بقره، ۸۳. ۱۰. لقمان، ۱۵.

۱. اسراء، ۱۱۰.

۲. بقره، ۸۳.

۳. بقره، ۵۵.

۴. بقره، ۶۳.

۵. بقره، ۲۵.

۶. بقره، ۲۵.

۷. بقره، ۲۵.

۸. بقره، ۲۵.

۹. بقره، ۲۵.

۱۰. بقره، ۲۵.

۱۱. بقره، ۲۵.

سختی‌ها. «عشرون صابرون یغلبوا مأتین»^(۱) چنانکه در شب عاشورا امام حسین (علیه السلام) هم مناجات می‌کرد و هم شمشیر تیز می‌کرد.

* روز عرفه و شب عید قربان، زائر خانه‌ی خدا دعا می‌خواند و روز عید باید قربانی کند.

* اسلام مالکیت را می‌پذیرد، «الناس مسلطون علی اموالهم»^(۲) ولی اجازه ضرر زدن به دیگری را نمی‌دهد و آن را محدود می‌سازد. «لا ضرر و لا ضرار»^(۳)

آری، اسلام دین یک بعدی نیست که تنها به جنبه‌ای توجه کند و جوانب دیگر را نادیده بگیرد؛ بلکه در هر کاری اعتدال و میانه‌روی و راه مستقیم را سفارش می‌کند.

غضب شدگان در قرآن

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

(خداوند! ما را به) راه کسانی که آنها را مشمول نعمت خود

ساختی، (هدایت کن) نه غضب شدگان و نه گمراهان!

در قرآن، افرادی همانند: فرعون و قارون و ابولهب و امت‌هایی همچون: قوم عاد، ثمود و بنی اسرائیل، به عنوان غضب شدگان معرفی شده‌اند. در آیات متعددی از قرآن ویژگی‌های گمراهان و غضب شدگان و مصادیق آنها بیان شده است از جمله:

* منافقان و مشرکان و بدگمانان به خداوند.^(۱)
 * کافران به آیات الهی و قاتلان انبیای الهی.^(۲)
 * اهل کتاب که در برابر دعوت به حق سرکشی کرده‌اند.^(۳)
 * فراریان از جهاد.^(۴)
 * پذیرندگان و جایگزین کنندگان کفر با ایمان.^(۵)
 * پذیرندگان ولایت دشمنان خدا و دوستداران رابطه‌ی با دشمنان خدا.^(۶)
 بنی اسرائیل که داستان زندگی و تمدن آنها در قرآن بیان شده است، زمانی بر مردم روزگار خویش برتری داشتند؛ «فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»^(۷) لیکن بعد از این فضیلت و برتری، به خاطر کردار و رفتار خودشان، دچار قهر و غضب خداوند شدند؛ «و بَأَوْا بِغَضَبِ مِنَ اللَّهِ»^(۸) این تغییر سرنوشت، به علت تغییر در رفتار و کردار آنان بوده است «إِنَّ اللَّهَ مَائِغٍ بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرَ مَا بِأَنفُسِهِمْ»^(۹).

دانشمندان یهود، دستورات و قوانین آسمانی تورات را تحریف کردند، «يَحَرِّفُونَ الْكَلِمَ»^(۱۰) و تجار و ثروتمندان آنان نیز به ربا و حرام‌خواری و رفاه‌طلبی روی آوردند، «أَخَذَهُمُ الرَّبُّ»^(۱۱) و عموم مردم نیز در برابر دعوت به جهاد و مبارزه، از روی تن‌پروری و ترس، از رفتن به جبهه نبرد و ورود به سرزمین مقدس، سر باز زدند. «فَاذْهَبْ أَنتَ وَ رَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا

۱. نساء، ۱۱۶ و فتح، ۶. ۲. بقره، ۶۱.

۳. آل عمران، ۱۱۰-۱۱۲. ۴. انفال، ۱۶.

۵. بقره، ۱۰۸ و نحل، ۱۰۶. ۶. ممتحنه، ۱.

۷. بقره، ۴۷. ۸. بقره، ۶۱. ۹. رعد، ۱۱.

۱۰. نساء، ۴۶. ۱۱. نساء، ۱۶۱.

۱. انفال، ۶۵. ۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۷۲.

۳. کافی، ج ۵، ص ۲۸.

هَاهُنَا قَاعِدُونَ^(۱) به خاطر این انحرافات، خدا آنان را از اوج عزّت و فضیلت، به نهایت ذلّت و سرافکندگی مبتلا ساخت. ما در هر نماز، از خداوند می‌خواهیم که مانند غضب‌شدگان نباشیم. یعنی نه اهل تحریف آیات و نه اهل ربا و نه اهل فرار از جهاد در راه حقّ. همچنین از گمراهان نباشیم، آنان که حقّ را رها کرده و به سراغ باطل می‌روند و در دین و باور خود غلوّ و افراط کرده، یا از هوی و هوس خود یا دیگران پیروی می‌کنند. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَ أَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ» بگو: ای اهل کتاب! در دیستان به ناحق غلوّ نکنید و به دنبال خواهش‌های گمراهان پیش از خود نروید، که آنان افراد زیادی را گمراه کرده و از راه راست گمراه شده‌اند.^(۲)

□ انسان در این سوره، عشق و علاقه و تولّای خود را به انبیا و شهدا و صالحان و راه آنان، اظهار و ابراز داشته و از مغضوبان و گمراهان تاریخ نیز برائت و دوری می‌جوید و این مصداق تولّی و تبرّی است.

گمراهان در قرآن

□ کلمه‌ی «ضالّات» حدود دویست مرتبه در قرآن آمده است که گاهی در مورد تحیر بکار رفته، «وَجَدَكَ ضَالًّا»^(۳) وگاهی به معنای ضایع شدن است، «اضلّ اعمالهم»^(۴) ولی اغلب به معنای گمراهی است که همراه با تعبیرات گوناگونی نظیر: «ضلال مبین»^(۵)، «ضلال بعید»^(۶)، «ضلال کبیر»^(۷) به چشم

می‌خورد.

□ در قرآن افرادی به عنوان گمراه معرّفی شده‌اند، از جمله:

۱. کسانی که ایمان خود را به کفر تبدیل کردند. «مَنْ يَتَّبِدِلْ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»^(۸)

۲. مشرکان. «وَمَنْ يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا»^(۹)

۳. کفار. «وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ... فَقَدْ ضَلَّ»^(۱۰)

۴. عصیان‌گران. «وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ»^(۱۱)

۵. ستمگران. «بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»^(۱۲)

۶. مسلمانانی که کفار را سرپرست و دوست خود گرفتند، «لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّ وَ عَدُوَكُمْ أَوْلِيَاءَ... وَ مَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»^(۱۳)

۷. کسانی که مردم را از راه خدا باز می‌دارند. «الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ يُصَدِّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ... أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ»^(۱۴)

۸. کسانی که به خدا یا رسول خدا توهین می‌کنند.

۹. آنان که حقّ را کتمان می‌کنند.

۱۰. کسانی که از رحمت خدا مأیوسند.

□ در قرآن نام برخی به عنوان گمراه کننده آمده است، از قبیل: ابلیس، فرعون، سامری، دوست بد، رؤسا و نیاکان منحرف. □ گمراهان، خود بستر وزمینه‌ی انحراف را فراهم و گمراه کنندگان، از این بسترها و شرایط آماده، استفاده می‌کنند.

۷. ملک، ۹۰. ۸. بقره، ۱۰۸. ۹. نساء، ۱۱۶.

۱۰. نساء، ۱۳۶. ۱۱. احزاب، ۳۶. ۱۲. لقمان، ۱۱.

۱۳. ممتحنه، ۱. ۱۴. ابراهیم، ۳.

۱. مائده، ۲۴. ۲. مائده، ۷۷. ۳. ضحی، ۷.

۴. محمد، ۱. ۵. آل عمران، ۱۶۴. ۶. ق، ۲۷.

بسترهای انحراف در قرآن عبارتند از:

۱. هوسها. ﴿اتَّخَذَ اللَّهُ هَوَاهُ وَاضَلَّهُ اللَّهُ﴾^(۱)

۲. بت‌ها. ﴿جَعَلُوا لِلَّهِ انْدَاداً لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ﴾^(۲)

۳. گناهان. ﴿وَمَا يَضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ﴾^(۳)

۴. پذیرش ولایت باطل. ﴿أَنَّهُ مِنْ تَوَلَّاهُ فَاتَّهَ يَضِلُّهُ﴾^(۴)

۵. جهل و نادانی. ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ﴾^(۵)

اوصاف قلب

حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ

غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (بقره، ۷)

خداوند بر دلها و برگوش آنان مهر زده است و در برابر

چشمانشان پرده‌ای است و برای آنان عذابی بزرگ است.

ویژگی‌های قلب سلیم

الف) قلبی که جز خدا در آن نیست. «لیس فیہ احد سواه»^(۶)

ب) قلبی که پیرو راهنمای حق، توبه کننده از گناه و تسلیم حق باشد.^(۷)

ج) قلبی که از حب دنیا، سالم باشد.^(۸)

د) قلبی که با یاد خدا، آرام گیرد.^(۹)

ه) قلبی که در برابر خداوند، خاشع است.^(۱۰)

البته قلب مؤمن، هم با یاد خداوند آرام می‌گیرد و هم از قهر او

می‌ترسد. ﴿إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ﴾^(۱) همانند کودکی که هم

در کنار پدر و مادر آرامش دارد و هم از آنان حساب می‌برد.

ویژگی قلب منیب

قلب منیب، آن است که بعد از توجه به انحراف و خلاف،

توبه و انابه کرده، به سوی خدا باز گردد. از ویژگی بارز آن،

تغییر حالات در رفتار و گفتار انسان است.

□ خداوند در آیات قرآنی، ثن صفت برای قلب کفار بیان کرده

است:

الف) انکار حقایق. ﴿قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ﴾^(۲)

ب) تعصب نابجا. ﴿فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةُ﴾^(۳)

ج) انحراف و گمراهی. ﴿صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ﴾^(۴)

د) سنگدلی و قساوت. ﴿قَوْلِيلٌ لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبِهِمْ﴾^(۵)

ه) بی‌خاصیتی و مرگ. ﴿لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى﴾^(۶)

و) آلودگی و زنگار. ﴿بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ﴾^(۷)

ز) بیمار و مریض. ﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ﴾^(۸)

ح) کم ظرفیتی. ﴿يَجْعَلُ صَدْرَهُ ضَيِّقًا﴾^(۹)

ط) کوردلی و نفهمی. ﴿طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ﴾^(۱۰)

۱. انفال، ۲.	۲. نحل، ۲۲.	۳. فتح، ۲۶.
۴. توبه، ۱۲۷.	۵. زمر، ۲۲.	۶. روم، ۵۲.
۷. مطففین، ۱۴.	۸. بقره، ۱۰.	۹. انعام، ۱۲۵.
۱۰. نساء، ۱۵۵.		

۱. جائیه، ۲۳.	۲. ابراهیم، ۳۰.	۳. بقره، ۲۶.
۴. حج، ۴.	۵. بقره، ۱۹۸.	
۶. نورالتقلین، ج ۴، ص ۵۷.	۷. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۴.	
۸. تفسیر صافی.	۹. فتح، ۴.	۱۰. حدید، ۱۶.

ویژگی های قلب مریض

الف) قلبی که از خدا غافل است ولایت رهبری نیست. ﴿لَا تُطْعَمَنَّ مِنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ﴾^(۱)

ب) دلی که دنبال فتنه و دستاویز شبهه ها می گردد. ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ﴾^(۲)

ج) دلی که قساوت دارد. ﴿جَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً﴾^(۳)

د) دلی که زنگار گرفته است. ﴿بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^(۴)

ه) دلی که مهر خورده است. ﴿طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ﴾^(۵)

□ قلب انسان، متغیر و تأثیر پذیر است؛ لذا مؤمنان این چنین دعا می کنند:

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا﴾^(۶) خدایا! دل های ما را بعد از آنکه هدایت نمودی، منحرف مساز.

امام صادق علیه السلام فرمودند: این دعا (آیه) را زیاد بگویند و خود را از انحراف در امان ندانند.^(۷)

سیمای منافق در قرآن

يَكَادُ الْبَرْقُ يَحْطِفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَ

إِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَ

أَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (بقره، ۲۰)

نزدیک است که برق، نور چشمانشان را برباید. هرگاه که (برق

آسمان در آن صحرای تاریک و بارانی) برای آنان بدرخشد، در

آن حرکت کنند، ولی همین که تاریکی، ایشان را فرا گرفت

بایستند. و اگر خداوند بخواهد، شنوایی و بینایی آنان را (از بین)

می برد، همانا خداوند بر هر چیزی تواناست.

□ منافق در عقیده و عمل، برخورد و گفتگو، عکس العمل هایی

را از خود نشان می دهد که در این سوره و سوره های؛ نساء،

توبه، احزاب، محمد و منافقان آمده است. آنچه در اینجا به

مناسبت می توان گفت، این است که منافقین در باطن ایمان

ندارند؛ ولی خود را مصلح و عاقل می پندارند. با همفکران

خود خلوت می کنند، نمازشان با کسالت و انفاقشان با کراهت

است. نسبت به مؤمنان عیب جو و نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله

مودی اند. از جبهه فراری و نسبت به خدا غافل اند. افرادی

ترسو، پرادها، یاوه گو، ریاکار، شایعه ساز و علاقمند به

دوستی با کفارند. ملاک علاقه شان کامیابی و ملاک غضبشان،

محرومیت است. نسبت به تعهداتی که با خدا دارند

بی وفایند، نسبت به خیراتی که به مؤمنان می رسد، نگران؛

ولی نسبت به مشکلاتی که برای مسلمانان پیش می آید،

شادند. امر به منکر و نهی از معروف می کنند! قرآن در برابر

همه ی انحرافات فکری و عملی می فرماید: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي

الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ﴾^(۱)

۱. کهف، ۲۸. ۲. آل عمران، ۷. ۳. مائده، ۱۳.

۴. مطفین، ۱۴. ۵. نساء، ۱۵۵. ۶. آل عمران، ۸.

۷. تفسیر نورالثقلین.

۱. نساء، ۱۴۵.

صله‌ی رحم

الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ
اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ

الْخَاسِرُونَ (بقره، ۲۷)

(فاسقان) کسانی هستند که پیمان خدا را پس از آنکه محکم بستند
می‌شکنند، و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند قطع
می‌نمایند، و در زمین فساد می‌کنند، قطعاً آنان زیان‌کارانند.

□ علامه مجلسی رحمته‌الله به دنبال آیه‌ی؛ «وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ»^(۱) یکصد و ده حدیث در باره‌ی اهمیت صله‌ی رحم،
بیان کرده، آنها را مورد بحث قرار داده است.^(۲) در اینجا
برخی از نکات جالبی که در آنها آمده را نقل می‌کنیم:
* با بستگان خود دیدار و رابطه داشته باشید، هر چند در حدّ
نوشاندن آبی باشد.

* صله‌ی رحم، عمر را زیاد و فقر را دور می‌سازد.

* با صله‌ی رحم، رزق توسعه می‌یابد.

* بهترین قدم‌ها، قدمی است که برای صله‌ی رحم و دیدار
اقوام برداشته می‌شود.

* در اثر صله‌ی رحم، به مقام مخصوصی در بهشت دست
می‌یابید.

* به سراغ بستگان بروید، گرچه آنها بی‌اعتنایی کنند.

* صله‌ی رحم کنید هر چند آنها نیکوکار نباشد.

* صله‌ی رحم کنید، گرچه به اندازه‌ی سلام کردن باشد.

* صله‌ی رحم، مرگ و حساب روز قیامت را آسان می‌کند.

* صله‌ی رحم باعث تزکیه عمل و رشد اموال می‌شود.

* کمک مالی به فامیل، بیست و چهار برابر کمک به دیگران
پاداش دارد.

* صله‌ی رحم کنید، گرچه یکسال راه بروید.

* کسی که صله‌ی رحم را ترک کند، بویی از بهشت به او
نمی‌رسد.

□ امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «پدرم سفارش کرد، با افرادی که با
فامیل خود رابطه ندارند، دوست مشو».^(۱)

دانشمند بی‌عمل

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ

الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (بقره، ۴۴)

آیا مردم را به نیکی دعوت کرده و خودتان را فراموش می‌نمایید؟ با

اینکه شما کتاب (آسمانی) را می‌خوانید، آیا هیچ فکر نمی‌کنید؟

□ تمثیل عالم بی‌عملک

الف) در قرآن: عالم بی‌عمل، به الاغی تشبیه شده است که بار
کتاب حمل می‌کند؛ ولی خود از آن بهره‌ای نمی‌برد.^(۲)

ب) در روایات:

* رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: عالم بی‌عمل، مثل چراغی است که

خودش می‌سوزد (و بهره‌ای نمی‌برد) ولی دیگران از نورش استفاده‌ها
می‌برند.^(۳)

۲. جمعه، ۵.

۱. تفسیر راهنما و نورالتقلین.

۳. کنز العمال، ح ۲۹۱۰۹.

۱. رعد، ۲۵. ۲. بحار، ج ۷۱، ص ۸۷.

* رسول خدا ﷺ فرمودند: عالم بی عمل، چون تیرانداز بدون کمان است.^(۱)

* عیسی علیه السلام فرمودند: عالم بی عمل، مثل چراغی است بر پشت بام که اتاق‌ها تاریک‌اند.^(۲)

* علی علیه السلام فرمودند: عالم بی عمل، همچون درخت بی ثمر و گنجی است که اتفاق نشود.^(۳)

* امام صادق علیه السلام فرمودند: موعظه‌ی عالم بی عمل، چون باران بر روی سنگ است که در دلها نفوذ نمی‌کند.^(۴)

ج) در کلام اندیشمندان:

گرسنه‌ای است که روی گنج خوابیده.

تشنه‌ای است بر کنار آب و دریا.

طیبی است که خود از درد می‌نالد.

بیماری است که دائماً نسخه درمان را می‌خواند، ولی به آن عمل نمی‌کند.

منافقی است که سخن و عملش یکی نیست.

پیکری است بی‌روح.

زنبوری است بی‌عسل.

شفاعت

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا

شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (بقره، ۴۸)

و بترسید از روزی که هیچ کس چیزی (از عذاب خدا) را از کسی

دفع نمی‌کند و هیچ شفاعتی از کسی پذیرفته نمی‌شود، و از

کسی غرامت و بدلی گرفته نشود و یاری نخواهند شد.

□ شفاعت از کلمه «شفع» به معنای جفت است؛ یعنی افرادی

که مایه‌ای از ایمان و تقوا و عمل داشته و در آن روز کمبودی

دارند، لطفی به آن مایه‌ها اضافه می‌شود و در اثر جفت

و همراه شدن با لطف اولیای الهی، از قهر خداوند نجات

می‌یابند. بنابراین، شفاعت، تنها شامل کسانی می‌شود که

تلاشگرند؛ ولی در راه مانده و کم آورده‌اند و نیاز به مکمل و

تقویت کننده دارند که در کنار آنان باشد.

□ حدود سی آیه از قرآن مربوط به شفاعت است که به چند

دسته تقسیم می‌شوند:

۱- یک دسته شفاعت را نفی می‌کنند، مانند: «يَوْمَ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَ

لَا خَلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ»^(۱)، روزی که نه داد و ستد در آن است، نه معامله و

نه دوستی و نه شفاعت.

۲- دسته‌ای که شفاعت را مخصوص خداوند می‌دانند، مانند:

«مَالِكُمْ مِنْ دُونِهِ مَنْ وَلَّى وَ لَا شَفِيعَ»^(۲)، غیر از او هیچ یاور و

شفاعت کننده‌ای نیست.

۳- دسته‌ای که از شفاعت دیگران با اذن خداوند یاد می‌کنند،

مانند: «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ»^(۳)، چه کسی نزد خداوند

شفاعت می‌کند، مگر به اذن او؟

۴- یک دسته شرایط شفاعت شوندگان را بیان می‌کند، مانند:

۱. بحار، ج ۱۰، ص ۱۰۰. ۲. بحار، ج ۱۴، ص ۳۰۹.

۳. غررالحکم. ۴. بحار، ج ۲، ص ۳۹.

الف) کسی که مورد رضایت خدا باشد. ﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى﴾^(۱)

ب) ظالمان، دوست شفاعت کننده ای ندارند. ﴿مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حِمٍ وَلَا شَفِيعٍ﴾^(۲)

ج) فرشتگان برای کسانی که ایمان آورده اند، دعا و طلب استغفار می کنند. ﴿وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾^(۳)

با توجه به آیات فوق، معلوم می شود که شفاعت بی قید و شرط نیست و به اجازه و اذن خداست و شفاعت شونده، باید واجد شرایطی باشد و اگر کسی شرایط شفاعت را نداشته باشد، هر چند همسر پیامبر خدا باشد، مورد شفاعت قرار نمی گیرد. چنانکه همسر نوح و لوط عليه السلام به علت فسق، مشمول شفاعت نشدند. ﴿فَخَاتَمَ اللَّهُ لَهَا خَاتَمًا مِمَّنْ لَا يَخْتَلِفُ عَلَيْهِ وَلِيُّ اللَّهِ شَيْئًا﴾ و قيل ادخلا النار مع الداخلين^(۴)

بنابراین، شفاعتی سازنده است که انسان را با اولیای خدا پیوند دهد و مانع یأس او شود؛ ولی اگر ایمان به شفاعت سبب جرأت بر گناه گردد - همان گونه که مسیحیان عقیده دارند که عیسی فدا شد تا گناهان ما بخشیده شود - هرگز قابل قبول نیست.

سؤال: آیا شفاعتِ اولیای خدا، به معنای مقابله و ایستادگی در برابر اراده ی خدا نیست؟ کسی که خدا اراده کرده تا او را عذاب کند، پیامبر با شفاعت خود جلو آن اراده را نمی گیرد؟ پاسخ: هم کیفر بدکاران و هم اجازه شفاعت به اولیای خود، به

اراده و خواست اوست. بنابراین، شفاعت اولیای خدا، چیزی در برابر اراده ی الهی نیست.

سؤال: آیا شفاعت اولیای خدا به این معناست که لطف و مهربانی آنان از خدا بیشتر است؛ زیرا خدا می خواهد عذاب کند و اولیای او شفاعت می کنند؟

پاسخ: هم وجود رحم و محبت در اولیای خدا و هم اجازه ی استفاده از آن، از طرف خداست؛ بنابراین، اوست که به خاطر مهر و محبتش، اجازه ی شفاعت می دهد.

سؤال: آیا شفاعت، اراده ی خدا را تغییر می دهد؟

پاسخ: اراده ی خداوند در شرایط مختلف یک نوع نیست. اراده خدا بر کیفر گناهکار است؛ ولی اگر او توبه کند، قهرش را برمی دارد؛ زیرا شرایط انسان گناهکار با انسان توبه کار فرق دارد. شخصی به خاطر محبت و ارادت و اطاعت از اولیای خدا در دنیا، مشمول شفاعت آنان می شود و دیگری که مخالف آنان بوده، مشمول نمی شود.

□ اسباب بخشایش گناهان در دنیا سه چیز است:

۱- توبه و جبران گذشته. ﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَاصْلَحُوا وَيَبْتَغُوا فَاوْلَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾^(۱)

۲- ترک گناهان کبیره. ﴿إِنْ تَحْتَبُوا كَبَائِرَ مَا تَنْهَوْنَ عَنْهُ نَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ﴾^(۲)

۳- انجام دادن حسنات و کارهای نیک. ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾^(۳) ولی در آخرت، سرانجام راه بخشش، فقط

۱. انبیاء، ۲۸. ۲. غافر، ۱۸. ۳. غافر، ۷.

۴. تحریم، ۱۰.

۱. بقره، ۱۶۰. ۲. نساء، ۳۱. ۳. هود، ۱۱۴.

شفاعت است.

آداب تلاوت قرآن

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ
بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (بقره، ۱۲۱)

کسانی که به آنها کتاب آسمانی داده‌ایم و آنرا چنان که سزاوار
تلاوت است تلاوت می‌کنند، آنان به آن (قرآن یا پیامبر) ایمان
می‌آورند و کسانی که به آن کافر شوند، آنان همان زیانکارانند.

□ امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی آداب تلاوت قرآن، هشت نکته را
مورد توجه قرار داده است:

۱- ترتیل آیات. ۲- تفقه در آیات. ۳- عمل به آیات. ۴- امید به
وعده‌ها. ۵- ترس از وعیدها. ۶- عبرت از داستان‌ها. ۷- انجام
اوامر الهی. ۸- ترک نواهی. در پایان روایت نیز امام فرمود: حق
تلاوت تنها حفظ آیات، آموزش حروف، قرائت و تجوید نیست.^(۱) و
بر اساس روایات، کسانی که حق تلاوت قرآن را ادا می‌کنند، تنها
امامان معصوم می‌باشند.^(۲)

آثار و برکات روزه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره، ۱۸۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما مقرر گردید، همان
گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر شده بود، باشد
که پرهیزگار شوید.

□ مهم‌ترین اثر روزه تقوا و خداترسی، در ظاهر و باطن است.
روزه، یگانه عبادت مخفی است، نماز، حج، جهاد، زکات و
خمس را مردم می‌بینند؛ اما روزه دیدنی نیست. روزه، اراده
انسان را تقویت می‌کند. کسی که یک ماه نان و آب و شهوت
خود را کنترل کرد، می‌تواند نسبت به مال و ناموس دیگران نیز
خود را کنترل کند. روزه، باعث تقویت عاطفه است، کسی که
یک ماه مزه‌ی گرسنگی را چشید، درد آشنا می‌شود ورنج
گرسنگان را احساس و درک می‌کند. رسول خدا ﷺ فرمودند:
«روزه، نیمی از صبر است».^(۱)

روزه‌ی مردمان عادی، همان خودداری از نان و آب و امور
شهوانی است؛ اما در روزه خواص علاوه بر اجتناب از
مفطرات، اجتناب از گناهان نیز لازم است، و روزه‌ی
خاصّ الخاص، علاوه بر اجتناب از مفطرات و پرهیز از
گناهان، خالی کردن دل از غیر خداست.^(۲)
روزه، انسان را فرشته صفت می‌کند، فرشتگانی که از خوردن
و آشامیدن و شهوت به دورند.^(۳)

ماه رمضان

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ
مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ
كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ
الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ
عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (بقره، ۱۸۵)

۱. تفسیر المنار. ۲. تفسیر روح البیان. ۳. آیه الله جوادی.

۱. تفسیر المیزان. ۲. کافی، ج ۱، ص ۲۱۵.

(روزه در) ماه رمضان، ماهی است که قرآن در آن نازل شده است. (و قرآن کتابی است که) هدایتگر مردم همراه با دلائل روشن هدایت و وسیله تشخیص حق از باطل است، پس هر کس از شما که این ماه را دریابد، باید روزه بگیرد. و آنکس که بیمار یا در سفر باشد، روزهای دیگری را به همان تعداد روزه بگیرد. خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد (این قضای روزه) برای آن است که شماره مقرر روزها را تکمیل کنید و خدا را بر اینکه شما را هدایت کرده، به بزرگی یاد کنید، باشد که شکرگزار گردید.

□ «رمضان» از ماده «رَمَضَ» به معنای سوزاندن است؛ البته سوزاندنی که دود و خاکستر به همراه نداشته باشد. علت نامگذاری این ماه از آن روست که در ماه رمضان، گناهان انسان سوزانده و نابود می‌شود.

□ ماه رمضان، ماه نزول قرآن می‌باشد و تنها ماهی است که نامش در قرآن آمده و شب قدر نیز در این ماه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «تمام کتاب‌های آسمانی، در ماه رمضان نازل شده‌اند. ماه رمضان، بهترین ماه خدا است».^(۱) آن حضرت در جمعه آخر ماه شعبان، خطبه مفصلی در عظمت ماه رمضان ایراد کرده‌اند که در بعضی از تفاسیر و کتب روایی آمده است.^(۲) همچنین در صحیفه‌ی سجّادیه، امام سجّاد علیه السلام بادعایی به استقبال ماه رمضان رفته و در وداع آن ماه، مناجات جان سوزی دارند.

□ اسلام دین آسان و بنای آن بر سهولت و سخت‌نگرفتن است. هر کس مریض یا مسافر باشد، باید روزه نگیرد و قضای آن را بگیرد. اگر وضوگرفتن برای کسی مشکل است، باید تیمّم کند. اگر ایستاده نماز خواندن برایش مشکل است، اجازه‌ی نشسته نماز خواندن را می‌دهد که این قانون به نام «قاعده‌ی لا حرج» در فقه مشهور است.

رمضان ماه مهمانی خدا

□ در رمضان، مؤمنان با «یا ایها الذین آمنوا کُتِبَ علیکم الصّیام» به مهمانی خداوند دعوت شده‌اند، و این مهمانی ویژگی‌هایی دارد:

۱. میزبان، خداوند و مهمانان را شخصاً دعوت کرده است.
۲. وسیله‌ی پذیرایی، شب قدر، نزول قرآن، فرود آمدن فرشتگان، استجابت دعا، لطافت روح، و دوری از دوزخ است.
۳. زمان پذیرایی، ماه رمضان است که به گفته‌ی روایات، اوّل آن رحمت، وسط آن مغفرت و آخر آن پاداش است.
۴. چگونگی پذیرایی، شب قدر به گونه‌ای است که در آن نیاز یک سال مهمانان تأمین می‌شود و زمین با نزول فرشتگان در شب قدر مزین می‌گردد.
۵. غذای این ماه، غذای روح است که برای رشد معنوی لازم است، نه غذای جسم. لطف غذای این مهمانی، آیات قرآن است که تلاوت یک آیه‌ی آن در ماه رمضان، همچون تلاوت تمام قرآن در ماه‌های دیگر است.

۱. تفسیر برهان. ۲. بحار، ج ۹۶، ص ۳۵۶.

این مهمانی، هیچ‌گونه همخوانی و شباهتی با مهمانی‌های دنیوی ندارد. خداوند عالم و غنی و خالق و باقی و عزیز و جلیل، میزبان انسان‌های جاهل و فقیر و فانی و مخلوق و ذلیل می‌شود و می‌گوید: «من دعایتان را مستجاب می‌کنم و برای هر نفسی که در ماه رمضان می‌کشید، پاداش تسبیحی عطا می‌کنم».^(۱)

آداب مهمانی

□ در وسائل الشیعه^(۲) برای اخلاق روزه‌دار در ضمن روایت مفصّلی می‌خوانیم: «روزه‌دار باید از دروغ، گناه، مجادله، حسادت، غیبت، مخالفت با حق، فحش و سرزنش و خشم، طعنه و ظلم و مردم آزاری، غفلت، معاشرت با فاسدان، سخن‌چینی و حرام‌خواری، دوری کند و نسبت به نماز، صبر و صداقت و یاد قیامت توجه خاص داشته باشد».

شرط حضور در این مهمانی، فقط تحمل گرسنگی نیست. در حدیث آمده است: «آن کس که از اطاعت رهبران آسمانی، سرباز زند و یا در مسائل خانوادگی و شخصی با همسر خود بدرفتار و نامهربان باشد و یا از تأمین خواسته‌های مشروع او خودداری کند و یا پدر و مادرش از او ناراضی باشند، روزه او قبول نیست و شرایط این ضیافت را به جای نیاورده است».

□ روزه‌گرچه فوائد و منافع طبّی از قبیل: دفع و برطرف شدن مواد زاید بدن در اثر گرسنگی را دارد؛ امّا سحرخیزی و لطافت روح و استجابات دعا در ماه رمضان چیز دیگری

است و محروم واقعی کسی است که از این همه خیر و برکت محروم باشد.

تشبیه همسر به لباس

أَحْلَلْ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَأَبْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

(بقره، ۱۸۷)

در شب‌های روزه (ماه رمضان)، آمیزش با همسرانتان برای شما حلال شد، آنها برای شما (همچون) لباسند و شما برای آنها (همچون) لباس. خداوند می‌دانست که شما به خود خیانت می‌کردید (و آمیزش را که ممنوع بود، بعضاً انجام می‌دادید) پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت. اکنون (می‌توانید) با آنها هم بستر شوید و آنچه را خداوند بر شما مقرر فرموده، طلب کنید. و بخورید و بیاشامید تا رشته سفید از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد. سپس روزه را تا شب به اتمام رسانید. و در حالی که معتکف در مساجد هستید، با زنان آمیزش نکنید. این حدود و احکام الهی است پس (به قصد تجاوز و گناه) به آن نزدیک نشوید. خداوند این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می‌سازد، باشد که پرهیزگار گردند.

۱. خطبه‌ی پیامبر ﷺ در جمعه آخر ماه شعبان.

۲. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۱۹.

□ در تشبیه همسر به لباس، نکات و لطایف بسیاری نهفته است، از جمله:

* باید لباس در طرح و رنگ و جنس، مناسب انسان باشد، همسر نیز باید هم‌کفو انسان و متناسب با فکر و شخصیت انسان باشد.

* لباس مایه‌ی زینت و آرامش است، همسر و فرزند نیز مایه‌ی زینت و آرامش خانواده‌اند.

* لباس عیوب انسان را می‌پوشاند، هریک از زن و مرد نیز باید عیوب و نارسایی‌های یکدیگر را بپوشانند.

* لباس انسان را از خطر سرما و گرما حفظ می‌کند، وجود همسر نیز کانون خانواده را از آسیب‌ها حفظ و آن را گرم و زندگی را از سردی می‌رهاند.

* لباس حریم انسان است و دوری از لباس، مایه‌ی رسوایی، دوری از ازدواج و همسر نیز سبب انحراف و رسوایی انسان می‌گردد.

* در هوای سرد لباس ضخیم و در هوای گرم لباس نازک استفاده می‌شود، هر یک از دو همسر نیز باید اخلاق و رفتار خود را متناسب با نیاز روحی طرف مقابل تنظیم کند؛ اگر مرد عصبانی است، زن با لطافت با او برخورد کند و اگر زن خسته است، مرد با او مدارا کند.

* انسان باید لباس خود را از آلودگی حفظ کند، هر یک از دو همسر نیز باید دیگری را از آلوده شدن به گناه حفظ نماید.

جنگ و جهاد

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (بقره، ۲۱۸)

جهاد بر شما مقّر شد، در حالی که برای شما ناخوشایند است و چه بسا چیزی را ناخوش دارید، در حالی که خیر شما در آن است و چه بسا چیزی را دوست دارید، در حالی که ضرر و شرّ شما در آن است. و خداوند (صلاح شما را) می‌داند و شما نمی‌دانید.

□ «گره» به مشقتی گفته می‌شود که انسان از درون خود احساس کند، مانند ترس از جنگ. و «گره» به مشقتی گویند که از خارج به انسان تحمیل شود، مانند حکم اجباری در آیه‌ی «إِتْيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ»^(۱) به آسمان‌ها و زمین گفتیم: یا با رغبت بیایید یا با اکراه، گفتند: ما با رغبت آمدیم.

□ آیه‌ی قبل مربوط به بخشش مال بود و این آیه مربوط نثار کردن جان است.

□ ابن عباس می‌گوید: «روزی پیامبر اکرم ﷺ در حالی که من پشت سر آن حضرت سوار شده بودم به من فرمود: «یا بن عباس أرض عن الله بما قدر و ان كان خلاف هواك» به حکم و قضای الهی در مورد خودت راضی باش، گرچه برخلاف میل تو باشد و آنگاه این آیه را تلاوت فرمودند: «عسى أن تکرهوا شیئاً و هو خير لكم و...»

□ اکراه از جنگ، یا به خاطر روحیه‌ی دلبستگی به دنیا و

رفاه‌طلبی است و یا به جهت انسان دوستی و رحم به دیگران و یا به خاطر نابرابری و عدم توازن قوا و برتری دشمن است. قرآن در این آیه می‌فرماید که شما آثار و نتایج جهاد را نمی‌دانید و فقط به زیان‌های مادی و ظاهری آن توجه می‌کنید، در حالی که خداوند از اسرار و آثار امروز و فردای کارها در ابعاد مختلفش آگاه است.

□ جنگ و جهاد با همه‌ی سختی‌هایی که دارد، آثار مثبت و فوایدی نیز دارد. از جمله:

(الف) توان رزمی - دفاعی بالا می‌رود.

(ب) جلو تجاوز و جسارت دشمن را می‌گیرد.

(ج) موجب تقویت روح تعهد و ایثار و شجاعت در افراد جامعه می‌شود.

(د) با استقامت و فداکاری، قدرت و عزت اسلام و مسلمانان در دنیا مطرح می‌شود.

(ه) موجب دریافت امدادهای غیبی الهی می‌گردد.

(و) روحیه‌ی دعا و استمداد از خدا زیادتر می‌شود.

(ز) اجر و پاداش ویژه و مخصوص الهی به دست می‌آید.

(ح) موجب پیدایش و تقویت روحیه‌ی ابداع و اختراع و ابتکار می‌شود.

جهاد در ادیان دیگر

□ برخلاف تبلیغاتی که دنیا برای صلح و علیه خشونت دارد، مسئله جهاد در راه دین و سرزمین و کیان دینداران، در تمام ادیان آسمانی بوده و یک ضرورت حتمی است.

□ در تورات می‌خوانیم:

* ساکنان شهر را به دم شمشیر بده و اموالشان را جمع آوری کن.^(۱)

* همگی ایشان را هلاک کن و ترخّم مکن.^(۲)

* چون برای مقاتله بیرون روی و دشمن را زیاد بینی، نترس.^(۳)

* برادر و دوست و همسایه خود را بکشد تا کفّاره گوساله‌پرستی باشد.^(۴)

* موسی جمعیتی را به سوی جنگ حرکت داد و مقاتله مهمی صورت گرفت.^(۵)

□ در انجیل متی آمده است:

* گمان مبرید که آمده‌ام تا سلامتی را بر زمین بگذارم، نیامده‌ام تا سلامتی را بگذارم؛ بلکه آمده‌ام تا شمشیر را بگذارم.^(۶)

* هر که جان خود را دریابد (و به جنگ نیاید) آن را هلاک سازد و هر که جان خود را به خاطر من نثار کرد، آن را خواهد یافت.^(۷)

□ در انجیل لوقا می‌خوانیم:

* دشمنان را که نخواستند من بر ایشان حکمرانی کنم، در اینجا حاضر ساخته، پیش من به قتل رسانید.^(۸)

۱. تورات، سفر تثئیه، باب ۱۳، جمله ۱۵. تورات، سفر تثئیه، باب ۷، جمله ۳.

۲. تورات، سفر تثئیه، باب ۲۰، جمله ۱.

۳. تورات، سفر خروج، باب ۳۲، جمله ۲۷.

۴. تورات، سفر اعداد، باب ۳۱، جمله ۶-۱۲.

۵. انجیل متی، باب ۱۰، جمله ۳۴-۳۶.

۶. انجیل متی، باب ۱۰، جمله ۳۹.

۷. انجیل لوقا، باب ۱۹، جمله ۲۷.

* هرکس شمشیر ندارد، جامه خود را فروخته آن را بخرد.^(۱)
 □ در قرآن نیز در سوره‌های متعدد از جمله: بقره^(۲) آل عمران^(۳) مائده^(۴) از وجود جنگ و جهاد در ادیان گذشته، سخن به میان آمده است.

رشوه

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ
 لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

(بقره، ۱۸۸)

واموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خودتان نخورید و اموال را به (عنوان رشوه، به کیسه) حاکمان وقاضی‌ها سرازیر نکنید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید، در حالی که خود می‌دانید (که خلاف می‌کنید).

□ رشوه، یکی از گناهان بزرگی است که مفسد اجتماعی متعدّدی را به دنبال دارد، از جمله: ظلم و بی‌عدالتی، یأس و ناامیدی انسان‌های ضعیف و ناتوان، جرأت و جسارت توانمندان، فساد و تباهی حاکم و قاضی، از بین رفتن اعتماد عمومی.

با توجه به آثار و عوارض منفی رشوه، در روایات به شدت از این عمل انتقاد شده است.

رسول اکرم ﷺ خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمود: «یا علی من السّحت ثمن المیته و ثمن الکلب و ثمن الخمر و مهر الزّانیة و الرّشوة فی

الحکم»^(۱) ای علی! درآمد حاصل از فروش مردار، سگ، شراب، زنا و رشوه آتش و حرام است.

همچنین حضرت علی علیه السلام در ذیل آیه‌ی شریفه‌ی «اُكْالُونَ لِلْسَّحْتِ»^(۲) فرمود: «رشوه‌خواران کسانی هستند که دعوا و مشکل مردم را حل کرده، در برابر آن، هدایای آنان را می‌پذیرند».^(۳) امام صادق علیه السلام رشوه را در حد کفر به خدا می‌داند.

رسول اکرم ﷺ رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده و واسطه را لعنت کرد و فرمود: «بوی بهشت به صاحب رشوه نمی‌رسد».

در حدیث دیگر می‌خوانیم: «هر حاکمی که نسبت به گرفتاری‌های مردم بی تفاوت باشد، خداوند لطفش را نسبت به او می‌پوشاند و اگر هدیه قبول کند تا کار مردم را انجام دهد، در زنجیر است و اگر رشوه بگیرد، مشرک می‌باشد».^(۴)

حضرت علی علیه السلام «رشوه‌گیرنده را از حقّ ولایت محروم می‌داند».^(۵) و در جای دیگر آن حضرت فرمودند: «هیچ گروهی گرفتار رشوه نشدند، مگر آنکه گرفتار ترس و اضطراب و نگرانی شدند».^(۶)

□ بعضی برای توجیه خلاف خود، نام‌های مختلف بر رشوه می‌گذارند، از جمله: هدیه، تحفه، حقّ الزّحمه، چشم‌روشنی، شیرینی، پول چای، خرجی بچه‌ها و شخصی به نام «اشعث بن قیس»، حلوائی را به عنوان هدیه به منزل علی علیه السلام برد تا شاید امام به نفع او حکم صادر کند. امام با ناراحتی

۲. مائده، ۴۲.

۱. بحار، ج ۷۷، ص ۵۴.

۳. بحار، ج ۱۰۴، ص ۲۷۳.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۶۳.

۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱.

۶. نهج الفصاحه، ح ۲۶۹۳.

۲. بقره، ۲۴۶.

۱. انجیل لوقا، باب ۲۲، جمله ۳۶.

۳. آل عمران، ۱۴۷. ۴. مائده، ۲۴.

فرمود: «به خدا سوگند! اگر هفت اقلیم را به من ببخشند تا پوست جوی را به ناحق از دهان مورچه‌ای بگیرم، چنین نخواهم کرد».^(۱)

□ شخصی به رسول اکرم ﷺ گفت: من متصدی و مسئول کاری هستم، مردم برایم هدایایی می‌آورند، اینها چگونه است؟! حضرت فرمود: «چه شده است که کارگزاران ما از هدایا سخن می‌گویند! آیا اگر در خانه می‌نشستند کسی به آنان هدیه می‌داد؟!»^(۲)

شب هجرت و جانفشانی علیؑ

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (بقره، ۲۰۷)

و از مردم کسی است که برای کسب خشنودی خدا، جان خود را می‌فروشد و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.

□ ابن ابی‌الحدید که از علمای بزرگ سنی، قرن هفتم است، در شرح نهج البلاغه آورده است: «تمام مفسران گفته‌اند: این آیه درباره‌ی علی بن ابی‌طالبؑ نازل شده است که در لیلۃ‌المبیت در بستر رسول خدا ﷺ خوابید و این موضوع در حدی از تواتر است که جز کافر یا دیوانه آن را انکار نمی‌کند».^(۳)

□ مشرکانِ مکه، قرار گذاشتند از هر قبیله‌ای یک نفر را برای کشتن پیامبر ﷺ انتخاب کنند و آن حضرت را شبانه، در حالی که در بستر استراحت می‌کند، دسته جمعی از بین ببرند تا بنی‌هاشم به خونخواهی او قیام نکنند و با این عمل از پیامبر

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.
۲. نهج الفصاحه، ح ۵۳۹.
۳. شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۶۲.

و دین او راحت شوند. پیامبر ﷺ از نقشه‌ی آنان با خبر شد و با تدبیر و جانفشانی علیؑ که حاضر شد در بستر به جای پیامبر بخوابد، شبانه از شهر خارج شد و دشمن را غافلگیر کرد. این آیه در شأن آن حضرت نازل گردید. بسیاری از علمای اهل سنت، به این فضیلت علیؑ اقرار کرده‌اند^(۱) که علامه امینی «ره» در الغدير آنان را نام برده است.^(۲) در کتاب غایة‌المرام، بیست حدیث آمده که نه حدیث از علمای اهل سنت و یازده حدیث از علمای شیعه است.^(۳) از ابن ابی‌الحدید نقل شده است: معاویه چهار هزار درهم پول داد تا بگویند این آیه در شأن ابن‌ملجم نازل شده است!^(۴)

□ در روایات آمده است: همین‌که علیؑ در آن شب خطرناک به جای پیامبر خوابید، خداوند به دو فرشته‌ی خود، جبرئیل و میکائیل فرمود: کدامیک از شما حاضرید فدای دیگری شوید؟! هیچکدام از آنها حاضر نشدند.

خداوند فرمود: «اینک مشاهده کنید که چگونه علی بن ابی‌طالبؑ حاضر است جان خود را فدای رسول خدا کند».^(۵)

۱. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۴۸؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۷۳؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۹؛ سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۹۱. ۲. الغدير، ج ۲، ص ۴۸.
۳. تفسیر اطيّب‌البیان،
۴. شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۷۳، به نقل از تفسیر نمونه.
۵. تفسیر نمونه.

علت حرام شدن شراب

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ
لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمْ لَكَبِيرٌ مِّنْ نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ
الْعَفْوُ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ

(بقره، ۲۱۹)

از تو درباره شراب و قمار می پرسند، بگو: در آن دو گناهی بزرگ است و منافع (مادی) نیز برای مردم دارند. (ولی) گناه آن دو از سود آنها بزرگتر است. (همچنین) از تو می پرسند که چه اتفاق کنند؟ بگو: افزون (بر نیاز خود را)، خداوند اینچنین آیات را برای شما روشن می سازد تا شاید اندیشه کنید.

□ «خمر» به معنای پوشش است و لذا به پارچه ای که زنان سر خود را با آن پوشانده، مراعات حجاب می کنند، «خمار» می گویند. از آنجا که شراب، قدرت تشخیص را از عقل گرفته، در واقع آن را می پوشاند، به آن «خمر» می گویند. همچنین «میسر» از «یسر» به معنای آسان است. گویا در قمار، هر یک از دو طرف می خواهند مال همدیگر را بدون زحمت و به آسانی ببرایند.

سؤال اول مردم درباره ی حکم خمر و میسر است.

آیه در پاسخ پرسش آنها می فرماید: شرابخواری و قماربازی، گناهان بزرگی هستند، گرچه ممکن است منافع داشته باشند. چنانکه عده ای از راه کشت انگور یا شراب فروشی و گروه هایی با دایر کردن قمارخانه، ثروتی به دست می آورند. در کتاب های علمی و تربیتی، آثار و عوارض منفی و مفاسد

فردی و اجتماعی شراب و قمار به تفصیل بازگو شده است. در اینجا فهرستی از زیان های شراب و قمار را بیان می کنیم: کوتاه شدن عمر، عوارض منفی در کودکان؛ مخصوصاً اگر آمیزشی در حال مستی صورت گیرد.

گسترش فساد اخلاقی و بالا رفتن آمار جنایات از قبیل: سرقت، ضرب و جرح، جرایم جنسی و افزایش خطرات و حوادث رانندگی.

از دانشمندانی نقل شده است: اگر دولت ها نیمی از شراب فروشی ها را ببندند، ما نیمی از بیمارستان ها و تیمارستان ها را می بندیم.

هیجان منفی، بیماری های عصبی، سکت های مغزی و قلبی، بالا رفتن ضربان قلب، بی اشتها، بی اشتها، رنگ پریدگی و بیماری های جسمی و روحی - روانی بررسی آمار نشان می دهد که سی درصد از جنایات مرتبط با قمار است.

قمار، در شکوفایی اقتصادی نقش تخریبی داشته و نشاط کار مفید را از بین می برد.

در بعضی از کشورهای غیر اسلامی نیز در سال هایی قمار را ممنوع و غیر قانونی اعلام کرده اند. مثلاً انگلستان در سال ۱۸۵۳، شوروی در سال ۱۸۵۴ و آلمان در سال ۱۸۷۳ قمار را ممنوع اعلام کردند.^(۱)

۱. تفسیر نمونه.

شرایط قرض و وام دادن

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا

كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (بقره، ۲۴۵)

کیست که به خداوند وام دهد، وامی نیکو تا خداوند آن را برای او

چندین برابر بیافزاید و خداوند (روزی بندگان را) محدود و

گسترده می‌سازد، و به سوی او بازگردانده می‌شوید.

□ در تفاسیر مختلف^(۱) آمده است که این آیه به دنبال آیه قبل

که مردم را به جهاد تشویق می‌کرد، مؤمنان را به انفاق و وام

ترغیب می‌نماید. زیرا همان گونه که برای امنیت و صیانت

جامعه، نیاز به جهاد و تلاش مخلصانه است، همچنین برای

تأمین محرومان و تهیه وسایل جهاد، نیاز به کمک‌های مادی

می‌باشد.

□ موضوع وام دادن به خدا، هفت بار در قرآن آمده است.

تفسیر مجمع البیان^(۲) شرایطی را برای قرض الحسنه بیان کرده

است. از آن جمله:

۱- از مال حلال باشد.

۲- از مال سالم باشد.

۳- برای مصرف ضروری باشد.

۴- بی منت باشد.

۵- بی ریا باشد.

۶- مخفیانه باشد.

۷- با عشق و ایثار پرداخت شود.

۸- سریع پرداخت شود.

۹- قرض دهنده خداوند را بر این توفیق شکرگزار باشد.

۱۰- آبروی گیرنده وام حفظ شود.

□ «قرض»، در زبان عربی به معنای بریدن است و اینکه به وام،

قرض می‌گویند بخاطر آن است که بخشی از مال بریده و به

دیگران داده می‌شود تا دوباره باز پس گرفته شود. کلمه

«بسط» به معنای گشایش و وسعت است و «بساط» به اجناسی

گفته می‌شود که در زمین پهن شده باشد.

توحید و مالکیت حقیقی

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا

فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا

بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ

مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ

لَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (بقره، ۲۵۵)

اللّه، که جز او معبودی نیست، زنده و برپادارنده است. نه خوابی

سبک او را فراگیرد و نه خوابی سنگین. آنچه در آسمان‌ها و

آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست آنکه جز به اذن او در

پیشگاهش شفاعت کند. گذشته و آینده آنان را می‌داند. و به

چیزی از علم او احاطه پیدا نمی‌کنند مگر به مقداری که او

بخواهد. کرسی (علم و قدرت) او آسمان‌ها و زمین را دربرگرفته

و نگهداری آن دو بر او سنگین نیست و او والا و بزرگ است.

□ مالک حقیقی همه چیز اوست و مالکیت انسان در واقع

۱. تفسیر کبیر، کاشف و نمونه.

۲. تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه ۱۱ سوره حدید.

عاریتی بیش نیست. مالکیت انسان، چند روزه و با شرایط محدودی است که از طرف مالک حقیقی یعنی خداوند تعیین می شود. حال که همه مملوک او هستند، پس چرا مملوکی مملوک دیگر را بپرستد؟

دیگران نیز بندگان همچون ما هستند؛ «عباد امثالکم»^(۱) طبیعت، ملک خداست و قوانین حاکم بر آن محکوم خداوندند. ای کاش انسان ها هم از ملک او و هم از مُلک او بهتر استفاده می کردند. اگر همه چیز از خدا و برای خداست، دیگر بخل و حرص چرا؟ آیا خدای خالق، ما را رها کرده است؟ «أیحسب الانسان ان يترك سدى»^(۲)

امام کاظم علیه السلام از در خانه ی شخصی به نام «بُشر» می گذشت، متوجه سر و صدا و آواز لهو و لعبی شدند که از خانه بلند بود. از کنیزی که از آن خانه بیرون آمده بود پرسیدند صاحبخانه کیست؟ آیا بنده است؟! جواب داد: نه آقا، بنده نیست آزاد است. امام فرمود: اگر بنده بود این همه نافرمانی نمی کرد. کنیز سخن امام را وقتی وارد منزل شد به صاحبخانه باز گفت. او تکانی خورد و توبه کرد.^(۳)

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: اولین درجه تقوا و بندگی خدا آن است که انسان خودش را مالک نداند.^(۴)

جایگاه شعار توحیدی

□ «لااله الا الله» اولین صفحه شناسنامه ی هر مسلمان است. اولین شعار و دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز با همین جمله بود: «قولوا لااله الا الله تفلحوا»^(۱) همچنان که فرمود: «من قال لااله الا الله مخلصاً دخل الجنة و اخلاصه بها ان تحجزه لااله الا الله عما حرم الله» هرکس خالصانه شعار توحید سر دهد، وارد بهشت می شود و نشان اخلاص او آن است که گفتن «لااله الا الله» وی را از حرامهای الهی دور سازد.^(۲)

امام صادق علیه السلام فرمودند: «قول لااله الا الله ثمن الجنة»^(۳) گفتن «لااله الا الله» بهای بهشت است. همچنان که امام رضا علیه السلام در حدیث قدسی نقل کرده اند: «کلمة لااله الا الله حصن»^(۴) کلمه ی توحید، دژ مستحکم الهی است.

آری، توحید، مایه ی نجات و رستگاری انسان است. البتّه همانگونه که می گویند هرکس به دانشگاه یا حوزه علمیه قدم گذاشت، دانشمند شد. یعنی به شرط اینکه تمام دروس لازم را بخواند. گفتن «لااله الا الله» نجات دهنده است، اما با داشتن شرایطش که در جای خود بدان اشاره خواهد شد.

۱. اعراف، ۱۹۴. ۲. قیامت، ۳۶. ۳. تنمة المتهی، ص ۳۲۹. ۴. بحار، ج ۱، ص ۲۲۵.

۱. کنز العمال، ح ۳۵۵۴۱. ۲. ثواب الاعمال، ص ۲۰. ۳. بحار، ج ۹۳، ص ۱۹۶. ۴. بحار، ج ۳، ص ۷.

سیمای مخالفان ولایت خدا

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ
الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَائُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى
الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

(بقره، ۲۵۷)

خداوند دوست و سرپرست مؤمنان است، آنها را از تاریکی‌های (گونگون) بیرون و به سوی نور می‌برد. لکن سرپرستان کفار، طاغوت‌ها هستند که آنان را از نور به تاریکی‌ها سوق می‌دهند، آنها اهل آتشند و همانان همواره در آن خواهند بود.

* آنکه ولایت خدا را پذیرفت، کارهایش رنگ خدایی پیدا می‌کند. ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ﴾^(۱)

* برای خود رهبری الهی برمی‌گزیند. ﴿إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلَكًا﴾^(۲)

* راهش روشن، آینده‌اش معلوم و به کارهایش دلگرم است. ﴿يَهْدِيهِمْ رَبُّهُم بِأَمَانَتِهِمْ﴾^(۳)، ﴿أَنَا إِلَهِه رَاجِعُونَ﴾^(۴)، ﴿لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۵)

* در جنگ‌ها و سختی‌ها به یاری خدا چشم دوخته و از قدرت‌های غیر خدایی نمی‌هراسد. ﴿فَزَادَهُمْ إِيمَانًا﴾^(۶)

* از مرگ نمی‌ترسد و کشته شدن در تحت ولایت الهی را سعادت می‌داند. امام حسین علیه السلام فرمود: «أَنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا السَّعَادَةَ»^(۷).

* تنهایی در زندگی برای او تلخ و ناگوار نیست، چون می‌داند او زیر نظر خداوند است. ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾^(۱)

* از انفاق و خرج کردن مال نگران نیست، چون مال خود را به ولی خود می‌سپارد. ﴿يَقْرُضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا﴾^(۲)

* تبلیغات منفی در او بی اثر است، چون دل به وعده‌های حتمی الهی داده است: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^(۳)

* غیر از خدا همه چیز در نظر او کوچک است. امام علی علیه السلام فرمود: «عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَادُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ...»^(۴)

* از قوانین و دستورات متعدّد متحیر نمی‌شود، چون او تنها قانون خدا را پذیرفته و فقط به آن می‌اندیشد. و اگر صدها راه درآمد برایش باز شود تنها با معیار الهی آن راهی را انتخاب می‌کند که خداوند معین کرده است. ﴿وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ﴾^(۵)

۱. بقره، ۱۳۸. ۲. بقره، ۲۴۷. ۳. یونس، ۹.

۴. بقره، ۱۵۶. ۵. یوسف، ۵۶. ۶. بقره، ۱۷۳.

۷. بحار، ج ۴۴، ص ۱۹۲.

۱. توبه، ۴۰. ۲. بقره، ۲۴۵. ۳. اعراف، ۱۲۸.

۴. نهج البلاغه، خ ۱۹۳. ۵. مائده، ۴۴ و ۴۵.

مباحث یک دقیقه‌ای

مالکیت خداوند

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

(خدایی که) مالک روز جزاست.

□ مالکیت خداوند، مالکیتی حقیقی است و شامل احاطه و سلطنت کامل است؛ ولی در مالکیت‌های اعتباری، مال از سلطه‌ی مالک خارج بوده، تحت سلطه‌ی واقعی او نیست.

□ با آنکه خداوند مالک حقیقی همه چیز در همه وقت است؛ ولی مالکیت او در روز قیامت و معاد نمود بیشتر و جلوه‌ی دیگری دارد؛ زیرا:

* در آن روز تمام واسطه‌ها و اسباب قطع می‌شوند. ﴿تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ﴾^(۱)

* نسبت‌ها و خویشاوندی‌ها از بین می‌رود. ﴿فَلَا انْسَابَ بَيْنَهُمْ﴾^(۲)

* مال و ثروت و فرزندان، سودی ندارند. ﴿لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ﴾^(۳)

* بستگان و نزدیکان نیز فایده‌ای نمی‌رسانند. ﴿لَنْ تَنْفَعَكُم اَرْحَامُكُمْ﴾^(۴)

* نه زبان، اجازه توجیه‌گری و عذرتراشی دارد و نه فکر، فرصت تدبیر. تنها راه چاره، لطف خداوند است که صاحب اختیار آن روز است.

□ در قرآن لفظ «دین» در معانی گوناگونی به کار رفته است:

مباحث یک دقیقه‌ای:

رحمت الهی

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(خدایی که) بخشنده و مهربان است.

□ کلمه‌ی «رحمن» به معنای مبالغه و شدت رحم و مهربانی و گستردگی و شمول رحمت است. از کاربرد فراوان دو صفت «رحمن» و «رحیم» در قرآن، استفاده می‌شود که رحمانیت درباره همه‌ی مخلوقات و رحیمیت، مربوط به انسان و موجودات مکلف است.

□ خداوند رحمت را بر خود واجب کرده، ﴿كُتِبَ رَبِّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ﴾^(۱) و رحمت او بر همه چیز سایه گسترده. ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾^(۲)

همچنین پیامبر و کتاب او مایه رحمت برای تمام جهانیان است: ﴿رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾^(۳)

آفرینش و پرورش او بر اساس رحمت است و اگر عقوبت نیز می‌دهد، از روی لطف است. بخشیدن گناهان و قبول توبه‌ی بندگان و عیب‌پوشی از آنان و فرصت دادن برای جبران اشتباهات، همه از مظاهر رحمت و مهربانی اوست.

۱. بقره، ۱۶۶. ۲. مؤمنون، ۱۰۱. ۳. شعراء، ۸۸.
۴. ممتحنه، ۳.

۱. انعام، ۵۴. ۲. اعراف، ۱۵۶. ۳. انبیاء، ۱۰۷.

الف) مجموعه‌ی قوانین آسمانی. ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾^(۱)

ب) عمل و اطاعت. ﴿لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ﴾^(۲)

ج) حساب و جزا. ﴿مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ﴾

ملازمت هشدار و بشارت

□ آیه ﴿مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ﴾ دارای نوعی انذار و هشدار است که با قرارگرفتن آن در کنار آیه‌ی ﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ معلوم می‌شود که بشارت و انذار باید در کنار هم باشد. نظیر آیه شریفه دیگر که می‌فرماید: ﴿نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ . وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ﴾^(۳) به بندگانم خبر ده که من بسیار مهربان و آمرزنده‌ام، ولی عذاب و مجازات من نیز دردناک است.

همچنین در آیه دیگر خود را چنین معرفی می‌کند: ﴿قَابِلُ التَّوْبِ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^(۴) خداوند پذیرنده‌ی توبه مردمان و گناهکاران را به شدت عقوبت می‌کند.

□ در اولین سوره‌ی قرآن، مالکیت خداوند عنوان شد: ﴿مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ﴾ و در آخرین سوره، ملکیت او. ﴿مَلِكِ النَّاسِ﴾ و این نشان دهنده‌ی لازم‌ملزوم بودن آن دو مورد است.

انواع هدایت در قرآن

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

(خداوند!) ما را به راه راست هدایت فرما.

□ در قرآن مجید دو نوع هدایت مطرح شده است:

الف) هدایت تکوینی، آنجا که قرآن می‌فرماید: ﴿رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾^(۱) بیانگر این نوع از هدایت است. نظیر هدایت زبور غسل که چگونه از شهد گلهای بمکد و چگونه کندو بسازد. و یا هدایت و راهنمایی پرندگان در مهاجرت‌های زمستانی و تابستانی.

ب) هدایت تشریعی که همان فرستادن انبیای الهی و کتب آسمانی برای راهنمایی و تربیت و هدایت بشر است.

راه مستقیم

□ راه مستقیم، راه خداست. ﴿إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^(۲)

* راه مستقیم، راه انبیاست. ﴿إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^(۳)

* راه مستقیم، راه بندگی خداست. ﴿وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾^(۴)

* راه مستقیم، توکل و تکیه بر خداست. ﴿مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^(۵)

* راه مستقیم، یکتاپرستی و تنها یاری خواستن از اوست.^(۶)

۱. طه، ۵۰. ۲. هود، ۵۶. ۳. یس، ۳ - ۴.

۴. یس، ۶۱. ۵. آل عمران، ۱۰۱.

۶. بنا بر اینکه الف و لام در «الصراط» اشاره به راه یکتاپرستی در آیه قبل باشد.

۱. آل عمران، ۱۹. ۲. زمر، ۳. ۳. حجر، ۴۹ - ۵۰.

۴. غافر، ۳.

* راه مستقیم، کتاب خداوند است.^(۱)

* راه مستقیم، راه فطرت سالم است.^(۲)

عالم‌های مختلف از دیدگاه قرآن

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

يُنْفِقُونَ (بقره، ۳)

(متّقین) کسانی هستند که به غیب ایمان دارند و نماز را به پای

می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند.

□ در روایات و تفاسیر، «غیب» به خداوند متعال، فرشتگان،

معاد و حضرت مهدی (عج) اطلاق شده است.

□ قرآن، هستی را به دو بخش تقسیم می‌کند: عالم غیب و

عالم شهود. متّقین به کلّ هستی ایمان دارند؛ ولی دیگران تنها

آنچه را که برایشان محسوس باشد، قبول می‌کنند؛ حتّی توقع

دارند که خدا را با چشم ببینند و چون نمی‌بینند، به او ایمان

نمی‌آورند. چنانکه برخی به حضرت موسی گفتند: ﴿لَنْ نُؤْمِنَ

لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً﴾^(۳) ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم، مگر آنکه

خداوند را آشکارا مشاهده کنیم.

این افراد درباره‌ی قیامت نیز می‌گویند: ﴿مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا

نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾^(۴) جز این دنیا که ما در آن زندگی

می‌کنیم و می‌میریم و زنده می‌شویم، جهان دیگری نیست، و این

روزگار است که ما را از بین می‌برد.

چنین افرادی هنوز از مدار حیوانات نگذشته‌اند و راه شناخت

را منحصر به محسوسات می‌دانند و می‌خواهند همه چیز را

از طریق حواس درک کنند.

□ افراد با تقوا به غیب ایمان دارند که ایمان برتر از علم و فراتر

از آن است؛ زیرا در درون ایمان، عشق، علاقه، تعظیم،

تقدیس و ارتباط با بی‌نهایت نهفته است؛ ولی در عرصه‌ی

علم، این مسائل نیست.

ویژگی‌های رستگاران

أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (بقره، ۵)

تنها آنان از جانب پروردگارشان بر هدایتند و آنان همان

رستگاران هستند.

□ در قرآن، رستگاران ویژگی‌های دارند، از جمله:

(الف) در برابر مفاسد جامعه، به اصلاحگری می‌پردازند.^(۱)

(ب) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.^(۲)

(ج) علاوه بر ایمان به رسول خدا ﷺ او را حمایت می‌کنند.^(۳)

(د) از بخل دوری می‌کنند.^(۴)

(ه) در قیامت پرونده‌ی نیکی و حسنات سنگینی دارند.^(۵)

شرایط رستگاری

□ رستگاری، بدون تلاش به دست نمی‌آید و شرایط و لوازمی

دارد، که در قرآن به مواردی از آن اشاره شده است:

* برای فلاح و رستگاری، تزکیه لازم است. ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ

۱. با توجه به روایتی در تفسیر مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۵۸.

۲. با توجه به روایتی در تفسیر صافی، ج ۱، ص ۸۶.

۳. بقره، ۵۵.

۴. جائیه، ۲۴.

۱. آل عمران، ۱۰۴.

۲. آل عمران، ۱۰۴.

۳. اعراف، ۱۵۷.

۴. حشر، ۹.

۵. اعراف، ۸.

* برای فلاح و رستگاری، تلاش و جهاد خالصانه لازم است.

﴿جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^(۲)

* برای فلاح و رستگاری، خشوع در نماز، اعراض از لغو، پرداخت زکات، پاکدامنی، عفت، امانتداری، وفای به عهد و پایداری در نماز، لازم است.

ویژگی های قلب سلیم

حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ

غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (بقره، ۷)

خداوند بر دلها و برگوش آنان مهر زده است و در برابر

چشمانشان پرده ای است و برای آنان عذابی بزرگ است.

(الف) قلبی که جز خدا در آن نیست. «لیس فیہ احد سواه»^(۳)

(ب) قلبی که پیرو راهنمای حق، توبه کننده از گناه و تسلیم حق باشد.^(۴)

(ج) قلبی که از حب دنیا، سالم باشد.^(۵)

(د) قلبی که با یاد خدا، آرام گیرد.^(۶)

(ه) قلبی که در برابر خداوند، خاشع است.^(۷)

البته قلب مؤمن، هم با یاد خداوند آرام می گیرد و هم از قهر او می ترسد. «إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ»^(۸) همانند کودکی که هم در کنار پدر و مادر آرامش دارد و هم از آنان حساب می برد.

۱. شمس، ۹. ۲. مائده، ۳۵.

۳. نورالتقلین، ج ۴، ص ۵۷. ۴. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۴.

۵. تفسیر صافی. ۶. فتح، ۴. ۷. حدید، ۱۶.

۸. انفال، ۲.

ویژگی های قلب مریض

(الف) قلبی که از خدا غافل است ولایت رهبری نیست. ﴿لَا تُطِيعُ

مَنْ اغْفَلْنَا قَلْبَهُ﴾^(۱)

(ب) دلی که دنبال فتنه و دستاویز شبهه ها می گردد. ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ

فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ﴾^(۲)

(ج) دلی که قساوت دارد. ﴿جَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً﴾^(۳)

(د) دلی که زنگار گرفته است. ﴿بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا

يَكْسِبُونَ﴾^(۴)

(ه) دلی که مهر خورده است. ﴿طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ﴾^(۵)

ویژگی های منافقان در قرآن

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ (بقره، ۱۲)

آگاه باشید! همانا آنان خود اهل فسادند، ولی نمی فهمند.

□ در یک بررسی اجمالی از آیات قرآن در می یابیم که نفاق،

آثار و عوارض بدی در روح، روان، رفتار و کردار شخص

منافق ایجاد می کند که او را در دنیا و قیامت به عذاب گرفتار

می سازد. قرآن در وصف آنها می فرماید:

* دچار فقدان شعور واقعی می شوند. ﴿لَا يَشْعُرُونَ﴾^(۶)، ﴿هُمْ

السُّفَهَاءُ﴾^(۷)

* اندیشه و فهم نمی کنند. ﴿لَا يَفْقَهُونَ﴾^(۸)، ﴿لَا يَعْلَمُونَ﴾^(۹)

* دچار حیرت و سرگردانی می شوند. ﴿يَعْمَهُونَ﴾^(۱۰)

۱. کهف، ۲۸. ۲. آل عمران، ۷. ۳. مائده، ۱۳.

۴. مطغین، ۱۴. ۵. نساء، ۱۵۵. ۶. بقره، ۱۲.

۷. بقره، ۱۳. ۸. توبه، ۸۷. ۹. بقره، ۱۳.

۱۰. بقره، ۱۵.

﴿لَا يَبْصِرُونَ﴾^(۱)

* به سبب دروغهایی که می‌بافند. ﴿بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾^(۲) در کفر پایدار می‌شوند. ﴿بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ﴾^(۳) و هدایت نمی‌یابند. ﴿مَا كَانُوا مَهْتَدِينَ﴾^(۴)

* چون اعتقاد قلبی صحیحی ندارند، وحشت و اضطراب؛ ﴿حَذِرَ الْمَوْتِ﴾^(۵) و عذابی دردناک دارند. ﴿وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^(۶)

چرا عبادت کنیم؟

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

(بقره، ۲۱)

ای مردم! پروردگارتان که شما و پیشینیان شما را آفرید،

پرستش کنید تا اهل تقوا شوید.

سؤال: چرا باید خدا را عبادت کنیم؟

پاسخ: در چند جای قرآن در پاسخ به این پرسش چنین آمده است:

* چون خداوند خالق و مربی شماست. ﴿اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ﴾ از آنجاکه مشرکان خالقیت را پذیرفته؛ ولی ربوبیت را انکار می‌کردند، خداوند در این آیه دو کلمه «رَبَّكُمْ» و «خَلَقَكُمْ» را کنار هم آورده تا دلالت بدین نکته کند که خالق شما، پروردگار شماست.

* چون تأمین کننده‌ی رزق و روزی و امنیت شماست.

﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ﴾

من جوع و آمَنهم من خوف﴾^(۱)

* چون همه‌ی عالم سپاسگزار او هستند. ﴿إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِيحُ بِحَمْدِهِ﴾^(۲)

* چون معبودی جز او نیست. ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي﴾^(۳)

چگونه عبادت کنیم؟

□ آیات و روایات، برای عبادت شیوه‌ها و شرایطی را بیان نموده است که در جای خود بحث خواهد شد؛ ولی چون این آیه، اولین فرمان الهی خطاب به انسان در قرآن است، سرفصل‌هایی را بیان می‌کنیم تا مشخص شود، عبادت باید چگونه باشد:

۱- عبادت مأمورانه؛ یعنی طبق دستور او و بدون کم و زیاد و خرافات.

۲- عبادت آگاهانه، تا بدانیم مخاطب و معبود ما کیست. ﴿حَقِّقُوا تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ﴾^(۴)

۳- عبادت خالصانه. ﴿وَلَا يَشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾^(۵)

۴- عبادت خاشعانه. ﴿فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾^(۶)

۵- عبادت مخفیانه. پیامبر ﷺ فرمودند: «اعظم العبادۃ اجراً اخفاها»^(۷) عبادتی بزرگترین پاداش را دارد که پنهانی باشد.

۶- عبادت عاشقانه. پیامبر ﷺ فرمودند: «افضل الناس من عَشَقَ

العبادۃ»^(۸) برترین مردم کسی است که عاشق عبادت باشد.

و خلاصه مطلب این که برای عبادت سه نوع شرط است؛

۱. قریش، ۳-۴. ۲. اسراء، ۴۴. ۳. طه، ۱۴.
۴. نساء، ۴۳. ۵. کهف، ۱۱۰. ۶. مؤمنون، ۲.
۷. بحار، ج ۷۰، ص ۲۵۱. ۸. بحار، ج ۷۰، ص ۲۵۳.

۱. بقره، ۱۷. ۲. بقره، ۱۰. ۳. انعام، ۷۰.
۴. بقره، ۱۶. ۵. بقره، ۱۹. ۶. بقره، ۱۰.

الف) شرط صحت، نظیر؛ طهارت و قبله.

ب) شرط قبول، نظیر؛ تقوا.

ج) شرط کمال، نظیر؛ این که عبادت؛ آگاهانه، خاشعانه، مخفیانه و عاشقانه و... باشد.^(۱)

عوامل انگیزه بخش عبادت

□ اموری که انسان را وادار به عبادت می کند، عبارتند از:

۱- توجّه به نعمت های او که خالق و رازق و مربّی ماست.

۲- توجّه به فقر و نیاز خویش.

۳- توجّه به اثرات خوب و برکات آن.

۴- توجّه به اثرات بد و زشت ترک عبادت.

۵- توجّه به این که همه ی هستی، مطیع و در حال تسبیح او هستند، چرا ما عضو ناهماهنگ هستی باشیم؟!

۶- توجّه به این که عشق ورزیدن، پاسخ به نیاز اصیل روحی ماست و به چه کسی برتر از او عشق بورزیم؟!

مبارزه طلبی قرآن

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّمَّنْ
مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

(بقره، ۴۳)

و اگر در آنچه بر بنده ی خود (از قرآن) نازل کرده ایم، شک دارید،

اگر راست می گوئید (لا اقل) یک سوره همانند آن را بیاورید و

گواهان خود را غیر از خداوند بر این کار دعوت کنید.

□ خداوند در قرآن، بارها مخالفان اسلام را دعوت به مبارزه کرده است که اگر شما این کتاب را از سوی خدا نمی دانید و ساخته و پرداخته دست بشر می دانید، به جای این همه جنگ و مبارزه، کتابی مثل قرآن بیاورید تا پیامبر از ادعای خود دست بر دارد و صدای اسلام خاموش شود!

□ خداوند برای اثبات حقانیت پیامبر و کتاب خود، از یک سو مخالفان را تحریک و از سوی دیگر به آنان تخفیف داده است. یک جا فرموده: ﴿فَاتُوا بَكْتَابٍ﴾^(۱) کتابی مثل قرآن بیاورید و در جای دیگر فرموده است: ﴿فَاتُوا بَعْشَرَ سِوَرٍ مِّثْلِهِ﴾^(۲) ده سوره مثل آن را بیاورید و در جای دیگر می فرماید: ﴿فَاتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَن اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ﴾^(۳) یک سوره مثل آن را بیاورید و برای این کار می توانید از تمام قدرت ها و یاران و همفکران خود در سراسر جهان دعوت کنید.

انواع همسران بهشتی

وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِّزْقًا
قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَنُؤُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا
أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره، ۲۵)

و کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، مژده بده که برایشان باغهایی است که نهرها از پای (درختان) آن جاری است، هرگاه میوه ای از آن (باغها) به آنان روزی شود، گویند: این همان است که قبلاً نیز روزی ما بوده، در حالی که همانند آن نعمت ها به ایشان داده

۱. برای تفصیل بیشتر می توانید به کتاب «پرتوی از اسرار نماز» و «تفسیر نماز» نوشته مؤلف، مراجعه کنید.

۱. قصص، ۴۹. ۲. هود، ۱۳. ۳. یونس، ۳۸.

شده است (نه خود آنها) و برای آنان در بهشت همسرانی پاک و پاکیزه است و در آنجا جاودانه‌اند.

□ همسران بهشتی دو نوع هستند:

- الف) حور العین که همچون لؤلؤ زیبا و باکره هستند و در همان عالم آفریده می‌شوند. ﴿أُنْشَأْنَهُنَّ إِنِشَاءً﴾^(۱)
- ب) همسران مؤمن دنیایی که با چهره‌ای زیبا در کنار همسرانشان قرار می‌گیرند. ﴿وَمِنْ صَلَاحٍ مِنْ إِبَائِهِمْ وَأُزْوَاجِهِمْ﴾^(۲)
- از امام صادق علیه السلام درباره‌ی «ازواج مطهره» سؤال شد، فرمودند: همسران بهشتی آلوده به حیض و حدث نمی‌شوند.^(۳)

انحرافات شیطان

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَ

اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (بقره، ۳۴)

و هنگامی که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید، همگی سجده کردند جز ابلیس که سر باز زد و تکبر کرد، و از کافران گردید.

□ ابلیس مرتکب چند انحراف و خلاف شد:

- الف) خلاف عقیدتی؛ آنجا که گفت: ﴿أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ﴾
- ب) خلاف عملی و سرپیچی از فرمان. ﴿فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ﴾^(۴)
- ج) خلاف اخلاقی؛ «استکبر» که سبب دوزخی شدن او گردید. ﴿فَبِئْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ﴾^(۵)

بهشت آدم

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا
حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ

(بقره، ۳۵)

و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در این باغ سکونت کن و از (هر کجای) آن هر چه می‌خواهید به فراوانی و گوارایی بخورید، اما به این درخت نزدیک نشوید که از ستمگران خواهید شد.

□ آنچه از آیات دیگر قرآن و روایات استفاده می‌شود، باغی که آدم در آن مسکن گزید، بهشت موعود نبوده است؛ زیرا:

۱- آن بهشت، برای پاداش است و آدم هنوز کاری نکرده بود که استحقاق پاداش داشته باشد. «ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما يعلم الله الذين جاهدوا منكم»^(۱)

۲- کسی که به بهشت وارد شود، دیگر خارج نمی‌شود. «و ما هم بمخرجين»^(۲)

۳- در آن بهشت، امر و نهی و ممنوعیت و تکلیف نیست، در حالی که آدم از خوردن درخت نهی شد.

۴- در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز آمده است که بهشت آدم، بهشت موعود نبوده است.

۱. واقعه، ۳۵. ۲. رعد، ۲۳.

۳. تفسیر راهنما و دُرّالمثور.

۴. کهف، ۵۰.

۵. زمر، ۷۲.

۱. آل عمران، ۱۴۲. ۲. حجر، ۴۸.

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا
أَهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ
مَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ (بقره، ۳۶)

پس شیطان آن دو را به لغزش انداخت و آنان را از باغی که در
آن بودند، خارج ساخت و (در این هنگام به آنها) گفتیم: فرود آیید
در حالی که بعضی شما دشمن برخی دیگر است و برای شما در
زمین قرارگاه و تا وقتی معین بهره و برخورداری است.
□ شیطان برای ایجاد لغزش، دست به هر نوع شگرد روانی و
ترفند تبلیغاتی زد، از جمله:

الف: برای آدم و حوا سوگند یاد کرد. ﴿قَاسِمَهَا﴾^(۱)
ب: قیافه‌ی خیرخواهانه به خود گرفت و گفت: من از
خیرخواهان شما هستم. ﴿أَنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ﴾^(۲)
ج: وعده‌ی ابدیت داد که اگر این گیاه را بخورید، زندگی و
حکومت ابدی خواهید داشت. ﴿شَجَرَةُ الْخُلْدِ وَ مَلِكٌ لَا يَبُلَىٰ﴾^(۳)
د: دروغ گفت و به ذات حقّ تهمت زد. ﴿مَآهَاكُمَا رَبِّكُمَا عَنْ هَذِهِ
الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ﴾^(۴) به آدم و حوا
گفت: پروردگارتان شما را نهی نکرد، مگر از ترس این که شما فرشته
شوید یا به زندگی ابدی برسید.

وَأَتَقُوا يَوْمَ لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا
شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (بقره، ۴۸)

و بترسید از روزی که هیچ کس چیزی (از عذاب خدا) را از کسی
دفع نمی‌کند و هیچ شفاعتی از کسی پذیرفته نمی‌شود، و از
کسی غرامت و بدلی گرفته نشود و یاری نخواهند شد.

□ در روز قیامت، تمام سبب‌ها قطع؛ ﴿تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ﴾^(۱) و
نسبت‌ها محو؛ ﴿فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ﴾^(۲) و زبان عذرخواهی بسته
می‌شود؛ ﴿فَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ﴾^(۳) مال و فرزند کارآیی
ندارند؛ ﴿لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ﴾^(۴) و خویشاوندی نیز ثمری
ندارد؛ ﴿لَنْ تَنْفَعَكُم أَرْحَامُكُمْ﴾^(۵) و دوستی‌ها بی‌ثمر شده؛ ﴿وَلَا
خَلَّةٌ﴾^(۶) قدرت‌ها پوچ می‌شوند؛ ﴿هَلْكَ عَنِّي سُلْطَانِيَّةٌ﴾^(۷) و
شفاعت بدون اذن خداوند، پذیرفته نمی‌شود؛ ﴿وَلَا يَشْفَعُونَ
إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ﴾^(۸) و فدیة پذیرفته نمی‌شود. ﴿لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ
فَدِيَةٌ﴾^(۹)

عوامل بخشش گناهان

□ اسباب بخشایش گناهان در دنیا سه چیز است:

- ۱- توبه و جبران گذشته. ﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ بَيَّسُوا فَاُولَئِكَ
اتُوبَ عَلَيْهِمْ وَ أَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾^(۱۰)
- ۲- ترک گناهان کبیره. ﴿أَنْ تَحْتَبُوا كَبَائِرَ مَا تَنْهَوْنَ عَنْهُ نَكُفِّرْ عَنْكُمْ

۱. بقره، ۱۶۶. ۲. مؤمنون، ۱۰۱. ۳. مرسلات، ۳۶.
۴. شعراء، ۸۸. ۵. ممتحنه، ۳. ۶. بقره، ۲۵۴.
۷. حاقه، ۲۹. ۸. انبیاء، ۲۸. ۹. حدید، ۱۵.
۱۰. بقره، ۱۶۰.

۱. اعراف، ۲۱. ۲. اعراف، ۲۱. ۳. طه، ۱۲۰.
۴. اعراف، ۲۰.

۳- انجام دادن حسنات و کارهای نیک. ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ ﴿٢﴾ ولی در آخرت، سرانجام راه بخشش، فقط شفاعت است.

عوامل سقوط بنی اسرائیل

وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَأَنتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٥١﴾ (بقره، ۵۱)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی که با موسی چهل شب وعده گذاردیم و شما پس از (آمدن) او (به میقات)، گوساله را (معبود خود) گرفتید، در حالی که ستمکار بودید.

□ در سقوط جامعه‌ی بنی اسرائیل به دامن شرک، چند عامل نقش داشت:

- الف) حضور نداشتن رهبری همچون: حضرت موسی.
- ب) حضور منحرفان هنرمندی مانند: سامری.
- ج) استفاده از وسایل جذابی همچون: طلا و زیور آلات.
- د) استفاده از وسایل تبلیغاتی پر سروصدا و مردم فریب؛ زیرا گوساله‌ی سامری صدا می‌کرد.
- ه) زود باور بودن مردم و از طرفی نبودن ایمانی قوی و عمیق.
- و) مساعد بودن زمینه و سابقه‌ی بت پرستی.

مسخ شدن انسان

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿٦٥﴾ (بقره، ۶۵)

قطعاً شما از (سرنوشت) کسانی از خودتان که در روز شنبه، نافرمانی کردند (و به جای تعطیل کردن کار در این روز، دنبال کار رفتند) آگاهید، ما (به خاطر این نافرمانی) به آنان گفتیم: به شکل بوزینه‌های مطرود در آیید.

□ اصولاً مسخ چهره، یکی از عذاب‌های الهی و تحقق قهر خداوندی است. گروهی از مسیحیان نیز پس از دیدن نزول مائده‌ی آسمانی، کفر ورزیدند که به شکل بوزینه و خوک در آمدند. ﴿وَجَعَلْ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ﴾ ﴿١﴾ هر چند که برخی، همانند مراغی در تفسیر خود، مراد از مسخ و به شکل حیوان شدن را یک تشبیه دانسته و گفته‌اند: این آیه نیز نظیر آیه‌ی ﴿كَمَثَلِ الْهَمَارِ﴾ و یا ﴿كَالْأَنْعَامِ﴾ است؛ یعنی، مسخ معنوی آنان منظور است، نه مسخ صوری و ظاهری؛ ولی در تفسیر اطیب البیان روایتی از پیامبر ﷺ نقل شده است که فرمودند: خداوند هفت صد امت را در تاریخ به خاطر کفرشان، تغییر چهره داده و به سیزده نوع حیوان، تبدیل شده‌اند. ﴿٢﴾

مسخ شدگان قیامت

□ در روایات آمده است که دامنه‌ی مسخ در قیامت با توجه به خصوصیات روحی افراد، گسترده‌تر خواهد بود. در قیامت مردم ده گونه محشور می‌شوند:

۱- شایعه سازان، به صورت میمون. ۲- حرام خواران، به صورت خوک. ۳- رباخواران، واژگونه. ۴- قاضی ناحق، کور. ۵- خودخواهان مغرور، کر و لال. ۶- عالم بی عمل، در حال جویدن زبان خود. ۷- آزار دهنده‌ی همسایه، دست و پا بریده. ۸- خبرچین، آویخته به شاخه‌های آتشین. ۹- عیاشان، بد بوتر از مردار. ۱۰- مستکبران، در پوششی از آتش.^(۱)

علاقه یا ترس از مرگ

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (بقره، ۹۴ و ۹۵)

(به یهودیان) بگو: اگر سرای آخرت در نزد خداوند مخصوص شماست، نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید، اگر راست می‌گویید. ولی آنها هرگز به سبب آنچه از پیش فرستاده‌اند، آرزوی مرگ نکنند و خداوند به حال ستمگران، آگاه است.

□ نترسیدن از مرگ، نشانه‌ی صدق و یقین است. وقتی مرگ از راه می‌رسد، قدرتها، ثروتها، ارتباطات، فریب‌کاریها گسسته و شوخی‌ها، تعارفات و خیالات می‌گریزند، تنها انسان می‌ماند و اعمالش. در لحظه‌ی مرگ، انسان باور می‌کند که متاع دنیا کم است و آخرت بهتر و باقی است. در لحظه مرگ، انسان باور می‌کند که دنیا غنیچه‌ای است که برای هیچکس شکفته نشده و نمی‌شود و دوستان دنیایی مگسانند دور شیرینی. انسان اگر به مرتبه یقین برسد، هرچه به مرگ نزدیک‌تر

می‌شود، احساس قرب و وصول به لقا و دیدار الهی می‌کند. به همین دلیل حضرت علی علیه السلام وقتی ضربه‌ی شمشیر را بر فرق خود احساس کرد، فرمود: «فَزَتْ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ» قسم به پروردگار کعبه رستگار شدم. امام حسین علیه السلام در کربلا هر چه به ظهر عاشورا و زمان شهادت نزدیک می‌شد، صورتش برافروخته و شکوفاتر می‌گردید و وقتی در شب آخر از یارانش پرسیدند: مرگ نزد شما چگونه است؟ جملاتی را در جواب عرضه داشتند که نشان دهنده‌ی یقین آنان به حَقَانِیَّتِ راهشان بود، آنان مرگ را شیرین می‌دانستند و حتی برخی از آنان در شب آخر با این که می‌دانستند آخرین شب زندگی دنیایی آنان است با یکدیگر شوخی می‌کردند.

آرزوهای دشمن

مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْنُصُ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (بقره، ۱۰۵)

کافران از اهل کتاب و مشرکان، دوست ندارند که هیچ خیر و نیکی از طرف پروردگارتان بر شما نازل شود. در حالی که خداوند، رحمت خود را به هر که بخواهد اختصاص می‌دهد، و خداوند صاحب فضل بزرگ است.

□ دشمنان هرگز دوست ندارند به مسلمانان کمترین خیری برسد؛ ولی در مقابل از بازگشت آنان به کفر و ارتجاع و سازشکاری و سکوت و سستی با کفار و از به سختی افتادن آنان، لذت می‌برند. چنانکه در آیات متعددی از قرآن به آن

۱. تفسیر مجمع‌البیان و نورالتقلین و صافی، ذیل آیه ۱۸ سوره نبأ.

اشاره شده است، از جمله؛

❖ «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً»^(۱) کفار دوست دارند همانند آنها کافر شوید.

❖ «وَدُّوا لَوْ تَدْعُوهُمْ فَيُدْهِنُونَ»^(۲) کفار دوست دارند که تو ای پیامبر نیز با آنها سازش کنی.

❖ «وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ»^(۳) کفار دوست دارند که شما مسلمانان در زحمت قرار گیرید.

❖ «وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ»^(۴) گروهی از اهل کتاب دوست دارند شما را منحرف کنند.

اتمام نعمت

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ
حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ
عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي
وَلَا تَمْنَعُ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (بقره، ۱۵۰)

و (ای پیامبر!) از هر جا خارج شدی پس (به هنگام نماز) روی خود را به سوی مسجدالحرام بگردان، و (شما ای مسلمانان نیز) هر جا بودید (در سفر و در حضر) روی خود را به سوی آن بگردانید تا برای (هیچ کس از) مردم جز ستمگران، امکان احتجاج (و مجادله) علیه شما نباشد. پس از آنها نترسید و تنها از من بترسید. و (بدانید تغییر قبله برای آن بود) تا نعمت خود را بر شما تمام کنم و شاید که شما هدایت شوید.

❑ خداوند متعال در ماجرای تغییر قبله می‌فرماید: تغییر قبله برای این است که در آینده نعمت خود را بر شما تمام کنم؛ یعنی استقلال شما و توجه به کعبه، زمینه‌ی اتمام نعمت در آینده است. «لَأَتِمَّ نِعْمَتِي»

این ماجرا در سال دوم هجری در مدینه واقع شده است. در سال هشتم هجری نیز خداوند به مناسبت فتح مکه می‌فرماید: «وَيَتِمُّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ»^(۱) یعنی، این پیروزی برای این است که خداوند در آینده نعمت خود را بر شما تمام کند.

چنانکه ملاحظه می‌کنید در هر دو آیه «اتمام نعمت» به صیغه فعل مضارع بیان شده است که نشانه‌ی حدوث آن در آینده است؛ ولی در آیه ۳ سوره‌ی مائده که به هنگام بازگشت از حجة‌الوداع در سال دهم هجری و بعد از معرفی رهبری معصوم در غدیر خم نازل می‌شود، این‌گونه می‌فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» امروز نعمت خود را بر شما تمام کردم.

قابل توجه و دقت است که خداوند، روی کردن مردم به کعبه را قدم نخستین برای اتمام نعمت و فتح مکه را قدم دیگر و تعیین و معرفی رهبر را آخرین قدم در اتمام نعمت بیان می‌کند.

البته لازم به یادآوری است که در جریان تغییر و تعیین قبله و همچنین تعیین رهبر، تذکر می‌دهد که از هیچ چیز هراس نداشته باشید و تنها از خداوند پروا کنید: «لَا تَحْشَوْهُمْ»

۱. نساء، ۸۹. ۲. قلم، ۹. ۳. آل عمران، ۱۱۸.

۴. آل عمران، ۶۹.

۱. فتح، ۲.

اخشونی ﴿ چون در هر دو جریان، احتمال ناخوشایندی،
نپذیرفتن، مقابله، بهانه‌گیری و شایعه‌پراکنی از سوی دیگران
بسیار وجود دارد.

موانع و اثرات یاد خدا

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ

پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم، و برای من شکر کنید و کفران
نورزید. (بقره، ۱۵۲)

□ موانع ذکر خداوند:

الف) شیطان. ﴿انساهم ذكر الله﴾^(۱) شیطان، آنها را از یاد خدا غافل
کرد.

ب) تکاثر و رقابت‌ها. ﴿أهلكم التكاثر﴾^(۲) شما را افزون‌خواهی،
سرگرم ساخت.

ج) آرزوها و خیالبافی‌ها. ﴿وَيُلْهِمُ الْأَمَل﴾^(۳) آرزو، آنها را سرگرم
کرد.

□ اثرات یاد خدا:

* یاد نعمت‌های او، زمینه‌ساز معرفت و شکر است.

* یاد قدرت بی‌پایان او، زمینه‌ساز توکل است.

* یاد علم و آگاهی او، زمینه‌ساز حیا و تقواست.

* یاد الطاف او، زمینه‌ساز محبت به اوست.

* یاد عدالت او، زمینه‌ساز خوف از اوست.

* یاد امدادهای او، زمینه‌ساز امید و رجاست.

عنايات خدا به صابران

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ

وَالْأَنْفُسِ وَالْثَمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ (بقره، ۱۵۵)

و قطعاً شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و
کمبود محصولات، آزمایش می‌کنیم و صابران (در این حوادث و
بلاها را) بشارت بده.

□ خداوند به صابران عنایت ویژه‌ای داشته و در آیات
متعددی آنان را ستوده است و به خاطر صبرشان امتیازاتی به
آنان داده است، از جمله:

۱- محبوب خدایند. ﴿والله يحب الصابرين﴾^(۱)

۲- در حمایت خدا هستند. ﴿ان الله مع الصابرين﴾^(۲)

۳- نجات یافته و بشارت داده شدگاند. ﴿بشر الصابرين﴾

۴- در بهشت جای دارند. ﴿يجزون الغرفة بما صبروا﴾^(۳)

۵- پاداش بی‌حساب دارند. ﴿انما يوقى الصابرون اجرهم بغير
حساب﴾^(۴)

راههای پیروزی بر مشکلات

□ راه پیروزی در آزمایش‌های الهی چند چیز است:

الف) صبر و مقاومت.

ب) توجه‌ی به گذرا بودن حوادث و مشکلات.

ج) توجه‌ی به تاریخ گذشتگان که چگونه مشکلات را پشت
سر گذارده‌اند.

۱. آل‌عمران، ۱۴۶. ۲. بقره، ۱۵۳. ۳. فرقان، ۷۵.

۴. زمر، ۱۰.

۱. مجادله، ۱۹. ۲. تکاثر، ۱. ۳. حجر، ۳.

د) توجّهی به اینکه همه مشکلات ما در منظر و دید خداست و همه چیز حساب دارد.

امام حسین علیه السلام وقتی کودکش روی دستانش تیر خورد و شهید شد، فرمود: «هُوَ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِي أَنَّهُ بَعِينَ اللَّهِ»^(۱) این حادثه سخت، چون خدا آن را می بیند برایم آسان می نماید.

برخورد گوناگون مردم با مشکلات

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ

رَاجِعُونَ (بقره، ۱۵۶)

(صابران) کسانی هستند که هرگاه مصیبتی به آنها رسد،

می گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم.

□ مردم در برابر مشکلات و مصایب چند دسته اند:

الف) گروهی ناشکیبایی و جیغ و داد می کنند. «إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً»^(۲)

ب) گروهی بردباری و صبر می کنند. «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»^(۳)

ج) گروهی علاوه بر صبر، شکرگزارانند. «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدُ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ»^(۴)

این برخوردها، نشانه‌ی معرفت هر کس نسبت به فلسفه‌ی مصایب و سختی هاست. همان گونه که کودک، از خوردن پیاز تند، بی تاب می کند و نوجوان تحمل می کند؛ ولی بزرگسال پول می دهد تا پیاز خریده و بخورد.

بخور بخور ممنوع

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا

خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (بقره، ۱۶۸)

ای مردم! از آنچه در زمین، حلال و پاکیزه است بخورید و از

گام های (وسوسه انگیز) شیطان، پیروی نکنید. براستی که او

دشمن آشکار شماست.

□ معمولاً قرآن در کنار اجازه‌ی مصرف، شرطی را بیان کرده است؛ مثلاً:

۱. از چیزهای حلال و پاکیزه استفاده کنید: «كُلُوا... حَلَالًا طَيِّبًا» بخورید... در حالی که حلال و پاکیزه و باشد.

۲. بخورید و فسادگری نکنید: «كُلُوا وِ اشْرَبُوا... وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»^(۱) بخورید و بیاشامید... و در زمین فساد نکنید.

۳. از نعمت ها استفاده کنید و اسراف نکنید: «كُلُوا وِ اشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا»^(۲) بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید.

۴. هم خود استفاده کنید، هم به دیگران بدهید: «كُلُوا مِنْهَا وِ اطْعَمُوا»^(۳) بخورید و اطعام کنید.

مراحل شکر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا

لِلَّهِ إِنَّ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (بقره، ۱۷۲)

ای مؤمنان! از نعمت های پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم بخورید و

شکر خدا را به جای آورید. اگر فقط او را پرستش می کنید.

۱. بحار، ج ۴۵، ص ۴۶. ۲. معارج، ۲۰.

۳. بقره، ۱۵۵. ۴. زیارت عاشورا.

۱. بقره، ۶۰. ۲. اعراف، ۳۱. ۳. حج، ۲۸.

■ شکر مراحل حلّی دارد؛ گاهی با زبان است و گاهی با عمل.
شکر واقعی آن است که نعمت‌ها در راهی مصرف شود که خداوند مقرر نموده است.

ارزش و جایگاه صبر

لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ ءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِ الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَ ءَاتَى الزَّكَاةَ وَ الْمَوْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (بقره، ۱۷۷)

نیکی (تنها) این نیست که (به هنگام نماز) روی خود را به سوی مشرق یا مغرب بگردانید، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده و مال (خود) را با علاقه‌ای که به آن دارد به خویشاوندان و یتیمان و بیچارگان و در راه‌ماندگان و سائلان و در (راه آزادی) بردگان بدهد، و نماز را برپای دارد و زکات را بپردازد، و آنان که چون پیمان ببندند، به عهد خود وفا کنند و آنان که در (برابر) سختی‌ها، محرومیت‌ها، بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند، اینها کسانی هستند که راست گفتند (و گفتار و رفتار و اعتقادشان هماهنگ است) و اینان همان پرهیزکارانند.

■ صبر، کلید رستگاری و سعادت و مادر همه‌ی کمالات است و قرآن راه رسیدن به بهشت را صبر می‌داند؛ «وَأُولَئِكَ يَجْزُونَ

الْغُرَّةَ بِمَا صَبَرُوا»^(۱) به آنان جایگاه بلند داده می‌شود، به پاس بردباری که کردند. چنانکه فرشتگان به بهشتیان می‌گویند: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ»^(۲) درود بر شما که پایداری کردید. همچنین درباره‌ی رهبران الهی می‌فرماید: «جَعَلْنَا مِنْهُمْ اُمَّةً يَهْدُونَ بَامرْنَا لِمَا صَبَرُوا»^(۳) آنان را به خاطر صبرشان، پیشوایانی قرار دادیم که به امر ما هدایت می‌نمودند.

انواع حیات و زندگی

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

ای صاحبان خرد! برای شما در قصاص، حیات (و زندگی نهفته) است. باشد که شما تقوی پیشه کنید. (بقره، ۱۷۹)

■ حیات، انواع و جلوه‌های گوناگونی دارد:

۱. حیات طبیعی؛ مثل: زنده شدن زمین در بهار. «يَحْيِي الْأَرْضَ»^(۴)
۲. حیات معنوی؛ مثل: زنده شدن مردم با دعوت پیامبران. «دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»^(۵)
۳. حیات برزخی که شهدا دارند. «لَا تَقُولُوا لِمَنْ يَقْتُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ»^(۶)
۴. حیات اخروی که برای همه است. «يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ»^(۷)
۵. حیات اجتماعی که در سایه امنیت و عدالت میسر است. نظیر همین آیه «لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ»

۱. فرقان، ۷۵.	۲. رعد، ۲۴.	۳. سجده، ۲۴.
۴. روم، ۵۰.	۵. انفال، ۲۴.	۶. بقره، ۱۵۴.
۷. بقره، ۲۸.		

شرایط دعا در قرآن

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ

(بقره، ۱۸۶)

و هرگاه بندگانم از تو درباره من پرسند (بگو): همانا من نزدیکم؛ دعای نیایشگر را آنگاه که مرا می‌خواند پاسخ می‌گویم. پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان آورند، باشد که به رشد رسند.

□ قرآن درباره‌ی دعا سفارش‌هایی دارد، از جمله:

۱. دعا و درخواست باید خالصانه باشد. ﴿فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾^(۱)

۲. با ترس و امید همراه باشد. ﴿وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا﴾^(۲)

۳. با عشق و رغبت و ترس توأم باشد. ﴿يَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا﴾^(۳)

۴. با تضرع و در پنهانی صورت گیرد. ﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً﴾^(۴)

۵. با ندا و خواندنی آهسته باشد. ﴿إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا﴾^(۵)

مراحل برخورد با دشمن

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

(بقره، ۱۹۰)

و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید ولی از حد تجاوز نکنید، که خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.

□ در اسلام برای برخورد با دشمن مراحل تعیین شده است:

۱. قهر و بی‌اعتنایی. ﴿دَعِ أَذَاهُمْ﴾^(۱)

۲. جدایی و روی گردانی. ﴿فَاعْرِضْ عَنْهُمْ﴾^(۲)

۳. سخت‌گیری و شدت عمل. ﴿وَاعْلَظْ عَلَيْهِمْ﴾^(۳)

۴. مبارزه و جنگ. ﴿فَقَاتِلُوا الَّذِينَ يِقَاتِلُونَكُمْ﴾^(۴)

رفتار مسالمت‌آمیز با گروه‌ها

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا

خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (بقره، ۲۰۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همگی در صلح و آشتی درآئید (و)

تسلیم مطلق خداوند شوید) و گامهای شیطان را پیروی نکنید که

او دشمن آشکار شماست.

□ در قرآن، رابطه‌ی مسالمت‌آمیز با گروه‌هایی مطرح شده است، از جمله:

۱. با دیگر مسلمانان. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً﴾

۲. با اهل کتاب. ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ

أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ﴾^(۵) به اهل کتاب بگو: بیایید تا در آنچه ما و شما هم

عقیده هستیم، متحد باشیم و جز خدا را نپرستیم.

۳. با مشرکان بی‌آزار. ﴿لَمْ يِقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يَخْرُجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ

أَنْ تَبْرُوهُمْ وَتَقْسُطُوا إِلَيْهِمْ﴾^(۶) خداوند شمارا از ارتباط با کسانی که

سرجنگ با شما ندارند و را از وطنتان بیرون نکردند، نهی نکرده

است، با آنان نیکی و خوشرفتاری کنید.

۱. احزاب، ۴۸. ۲. نساء، ۶۳. ۳. توبه، ۷۳.

۴. بقره، ۱۹۰. ۵. آل عمران، ۶۴. ۶. ممتحنه، ۸.

۱. غافر، ۱۴. ۲. اعراف، ۵۶. ۳. انبیاء، ۹۰.

۴. اعراف، ۵۵. ۵. مریم، ۳.

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ الدِّينُ وَ
الْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا
مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (بقره، ۲۱۵)

از تو می پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: هر مالی که
(می خواهی) انفاق کنی، برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و
مستمندان و در راه ماندگان باشد. و (بدانید) هر کار خیری که
انجام دهید، همانا خداوند به آن آگاه است.

□ انفاق پنج گونه است: ^(۱)

۱. انفاق واجب؛ مانند: زکات، خمس، کفارات، فدیة و نفقه
زندگی که برعهده مرد است.
۲. انفاق مستحب؛ مانند: کمک به مستمندان، یتیمان و هدیه به
دوستان.
۳. انفاق حرام؛ مانند: انفاق با مال غصبی یا در راه گناه.
۴. انفاق مکروه؛ مانند: انفاق به دیگران با وجود مستحق در
خویشاوندان.
۵. انفاق مباح؛ مانند: انفاق به دیگران برای توسعه زندگی؛ زیرا
انفاق برای رفع فقر، واجب یا مستحب است.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (بقره، ۲۱۸)

همانا کسانی که ایمان آورده اند و کسانی که مهاجرت نموده و
در راه خدا جهاد کرده اند، آنها به رحمت پروردگار امیدوار
هستند و خداوند آمرزنده و مهربان است.

□ اسلام برای امیدوار بودن به الطاف الهی و دوری از یأس
زمینه هایی را فراهم کرده است از جمله:

۱. یأس و ناامیدی را از گناهان کبیره دانسته است. ^(۱)
۲. خداوند می فرماید: «من نزد گمان بنده ی مؤمن هستم، اگر گمان
خوب به من ببرد به او خوبی می رسانم». ^(۲)
۳. انبیا و فرشتگان، به مؤمنان دعا و برای آنان طلب مغفرت و
استغفار می کنند. ^(۳)
۴. پاداش الهی چندین برابر است. ^(۴)
۵. راه توبه باز است. ^(۵)
۶. گرفتاری های مؤمن، کفاره ی گناهان او محسوب می شود. ^(۶)
۷. خداوند توبه را قبول کرده و سیئات را به حسنات مبدل
می سازد. ^(۷)

۱. زمر، ۵۳. ۲. کافی، ج ۲، ص ۷۲.

۳. غافر، ۷؛ ابراهیم، ۴۱. ۴. بقره، ۲۶۱.

۵. نساء، ۱۸. ۶. بحار، ج ۸۱، ص ۱۷۶.

۷. فرقان، ۷۰.

عوامل پیروزی بر دشمن

فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَءَاتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (بقره، ۲۵۱)

سپس آنها (طالبوت و یاران او) به اذن خداوند، سپاه دشمن را درهم شکستند و داود (که جوانی کم سن و سال، ولی مؤمن، شجاع و از یاران طالبوت بود، جالوت را (که فرمانده سپاه دشمن بود) کشت، و خداوند حکومت و حکمت به او عطا نمود و از آنچه می‌خواست به او آموخت. و اگر خداوند (فساد) بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، قطعاً زمین را فساد می‌گرفت. ولی خداوند نسبت به جهانیان لطف و احسان دارد.

□ با توجه به آیات گذشته معلوم می‌شود که عوامل پیروزی در چند چیز است:

- ۱- رهبر توانا و لایق. «زاده بسطة فی العلم والجسم»
- ۲- پیروان مؤمن. «قال الذين يظنون أنهم ملاقوا الله»
- ۳- توکل. «کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله»
- ۴- صبر و استقامت. «ربنا أفرغ علينا صبراً وثبت أقدامنا»
- ۵- انگیزه‌ی الهی داشتن. «وانصرونا على القوم الكافرين»

اهرم‌های تشویق به انفاق

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا يَنْبَغُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (بقره، ۲۵۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرا رسد که نه خرید و فروشی در آن است و نه دوستی و نه شفاعتی، و (بدانید که) کافران همان ستمگران هستند. (که هم به خود ستم می‌کنند و هم به دیگران.)

□ در این آیه خداوند اهرم‌هایی را برای تشویق مردم به انفاق بکار برده است،

الف: آنچه داری، ما به تو دادیم از خودت نیست. «رزقناکم»

ب: مقداری از آنچه داری کمک کن، نه همه را. «مما»

ج: این انفاق برای قیامت تو، از هر دوستی بهتر است. «یأتی یوم...»

نیاز فردای دنیا یا آخرت

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلاً وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (بقره، ۲۶۸)

شیطان (به هنگام انفاق)، شما را از فقر و تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به فحشا و زشتی‌ها فرا می‌خواند، ولی خداوند از جانب خود به شما وعده‌ی آمرزش و فزونی می‌دهد و خداوند وسعت بخش داناست.

□ نیاز ما در فردای قیامت به مغفرت الهی، به مراتب بیشتر از نیاز ما در فردای دنیا است. مبادا مغفرت الهی را با خیال رفاه در زندگی مبادله کنیم. زیرا:

اولاً: شاید پیر نشدم و نیازمند نشدم، ولی در قیامت نیاز من قطعی است.

ثانیاً: شاید مالی که امروز برای فردا نگه می‌دارم، باقی نماند، ولی انفاق امروز حتماً برای فردای قیامت باقی است.

ثالثاً: شاید از مال اندوخته‌ی امروز در فردای پیری نتوانم بهره‌مند شوم، ولی از انفاق امروز بهره‌مندی در قیامت قطعی است.

رابعاً: بهره‌مندی انسان از اندوخته خود در دوران پیری، موقتی است، ولی بهره‌گیری انسان از انفاق در قیامت ابدی است.^(۱)

ربا و رباخواری

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَعْسِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره، ۲۷۵)

کسانی که ربا می‌خورند، (در قیامت از قبرها) بر نمی‌خیزند مگر همانند برخاستن کسی که بر اثر تماس شیطان، آشفته و دیوانه شده است. (نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند، گاهی زمین می‌خورد و گاهی بر می‌خیزد.) این (آسیب) بدان سبب است که گفتند: داد و ستد نیز مانند ربا است. در حالی که خداوند خرید و فروش را حلال و ربا را حرام کرده است. پس هرکس که موعظه‌ای از پروردگارش به او رسید و (از رباخواری) خودداری کرد، آنچه در گذشته (از طریق ربا بدست آورده) مال اوست، و کار او به خدا واگذار می‌شود. اما کسانی که (دوباره به رباخواری) بازگردند، آنان اهل آتش خواهند بود و در آن جاودانه می‌مانند.

۱. تفسیر کبیر فخررازی، ذیل آیه.

▣ تهدیدهایی که در قرآن برای اخذ ربا و پذیرش حاکمیت طاغوت آمده، برای قتل، ظلم، شرب خمر، قمار و زنا نیامده است.^(۱) حرمت ربا نزد تمام فرق اسلامی، قطعی و از گناهان کبیره است. وقتی به امام صادق علیه السلام خبر دادند که فلانی رباخوار است، فرمود: اگر قدرت می‌داشتی گردش را می‌زدی.^(۲) همچنین که حضرت علی علیه السلام وقتی با رباخواری مواجه شد، از او خواست توبه کند، وقتی توبه کرد او را رها نمود و به دنبال آن فرمود: رباخوار را باید از عمل خود توبه دهند، همچنان که از شرک توبه می‌دهند. از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: خبیث‌ترین درآمدها، رباخواری است.^(۳) و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: هرگاه خداوند اراده‌ی هلاک قریه‌ای را داشته باشد، رباخواری در آن قریه ظاهر می‌شود.^(۴) و خداوند، فرد رباخوار، وکیل، شاهد و کاتب ربا را لعنت نموده است.^(۵)

در حدیث می‌خوانیم: رباخواران، در قیامت همچون دیوانگان محسور می‌شوند.^(۶)

اقسام مردم در ایمان و عمل

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره، ۲۷۷)

۱. تفسیر المیزان، ذیل آیه.
۲. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۲۹.
۳. کافی، ج ۵، ص ۱۴۷.
۴. کنز العمال، ج ۴، ص ۱۰۴.
۵. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۳۰.
۶. تفسیر درالمثور، ج ۲، ص ۱۰۲.

همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند و نماز برپا داشته و زکات پرداخته‌اند، پاداششان نزد پروردگارشان (محفوظ) است و نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند.

□ مردم چهار گروه‌اند:

۱- گروهی ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند که اینان «مؤمنانند».

۲- گروهی، نه ایمان آورده و نه کار شایسته انجام می‌دهند که اینان «کافرانند».

۳- گروهی ایمان دارند، ولی عمل صالح ندارند که اینان «فاسقانند».

۴- گروهی ایمان ندارند، ولی اظهار ایمان می‌کنند و در ظاهر کار نیک انجام می‌دهند که اینان «منافقانند».

حالت‌های قلبی انسان

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبْذَرُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تَخَفُوهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (بقره، ۲۸۴)

آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، تنها از آن خداست. (بنابراین اگر آنچه را در دل دارید آشکار سازید یا پنهان دارید، خداوند شما را طبق آن محاسبه می‌کند. پس هر که را بخواهد (وشایستگی داشته باشد) می‌بخشد و هر که را بخواهد (ومستحق باشد) مجازات می‌کند و خداوند بر هر چیزی تواناست.

□ علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می‌فرماید: حالات قلبی انسان دو نوع است: گاهی خطور است که بدون اختیار چیزی

به ذهن می‌آید و انسان هیچگونه تصمیمی بر آن نمی‌گیرد که آن خطور گناه نیست، چون به دست ما نیست. اما آن حالات روحی که سرچشمه‌ی اعمال بد انسان می‌شود و در عمق روان ما پایگاه دارد، مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد.

□ ممکن است مراد آیه از کیفر حالات باطنی انسان، گناهیانی باشد که ذاتاً جنبه درونی دارد و عمل قلب است، مانند کفر و کتمان حق، نه مواردی که مقدمه گناه بیرونی است.

مسئولیت در فکر و انگیزه

□ انسان، در برابر روحيات، حالات و انگیزه‌هایش مسئول است و این مطلب مکرر در قرآن آمده است. از آن جمله:

* «يُؤْخَذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ قُلُوبُكُمْ»^(۱) خداوند شما را به آنچه دلهای شما کسب نموده است مؤاخذه می‌کند.

* «فَإِنَّهٗ آثَمُ قَلْبِهٖ»^(۲) براستی که کتمان کننده، دل او گناهکار است.

* «إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»^(۳) همانا گوش و چشم و دل، هر کدام مورد سؤال هستند.

* «إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ ان تَشْيِيعَ الْفَاحِشَةِ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»^(۴) علاقه قبلی به شیوع گناه و فساد در میان مؤمنان، سبب عذاب دنیا و آخرت است.

□ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: مردم بر اساس افکار و نیات خود مجازات می‌شوند.^(۵)

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

۱. بقره، ۲۲۵. ۲. بقره، ۲۸۳. ۳. اسراء، ۳۶.
۴. نور، ۱۹. ۵. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۷۵.

